

رسالہ موسومہ

یک کلمہ تمیز

مستشار الدولہ

آثار نظری جنبش مشروطیت - ۱

Traité nommé

« Yek Kalema »

(Un mot)

Par

Mustashār-Al-dawla


ادبشارات پال

۲۰۰۰ تومان

ISBN: 964-2574-00-4



9 789642 574001

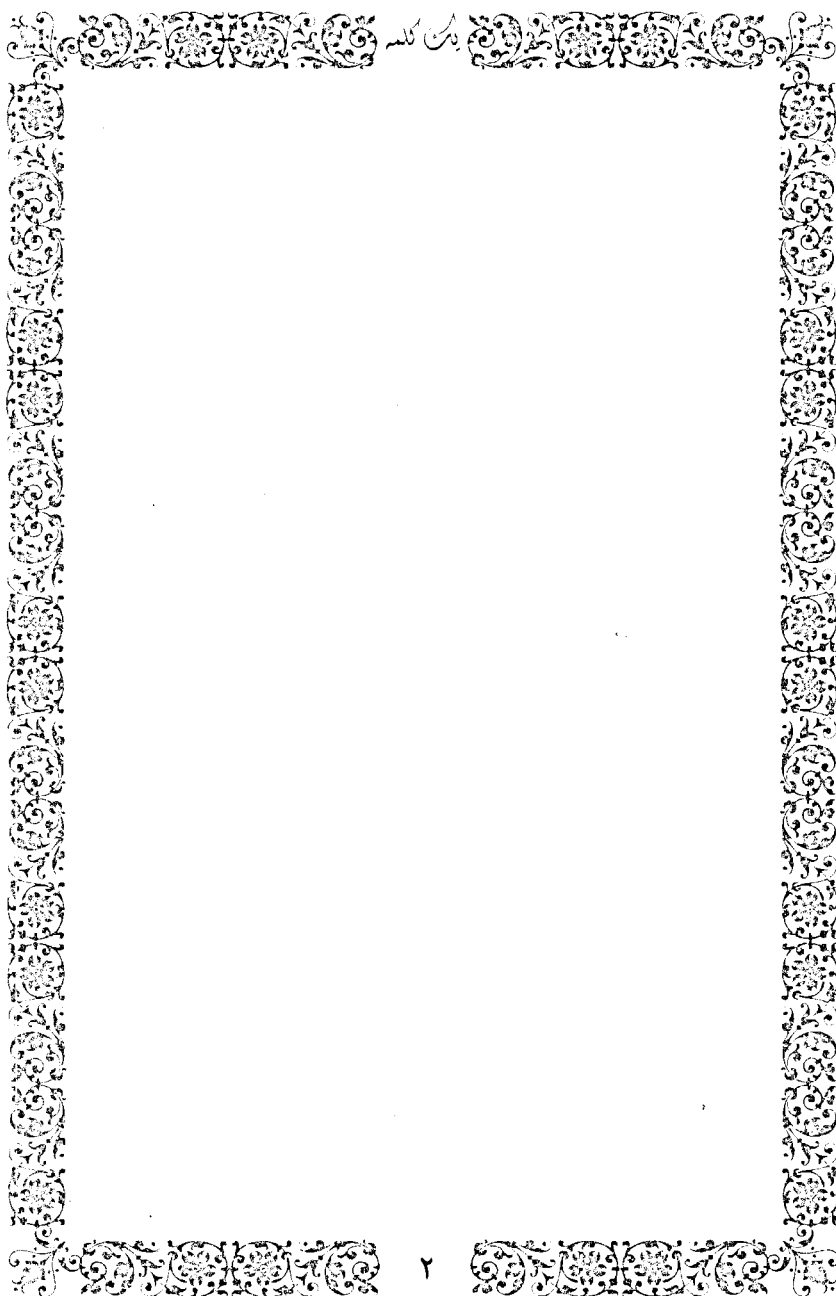
رساله موسومیه

یک کلمه

مستشار الدوله

آثار نظری جنبش مشروطیت - ۱

یک کلمه



رساله موسوم به:

۷۱۸۳۵ یک کلمه

میرزا یوسف خان تبریزی
«مستشارالدوله»

به اهتمام:
علیرضا دولتشاهی

انتشارات بال

۱۳۸۶



انتشارات بال - تهران صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۱۱۷ تلفن: ۶۶۴۱۴۳۴۸

رساله موسوم به:
یک کلمه
«مستشارالدوله»
چاپ اول ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب: ۴ - ۰۰ - ۲۵۷۴ - ۹۶۴
حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص انتشارات بال است.

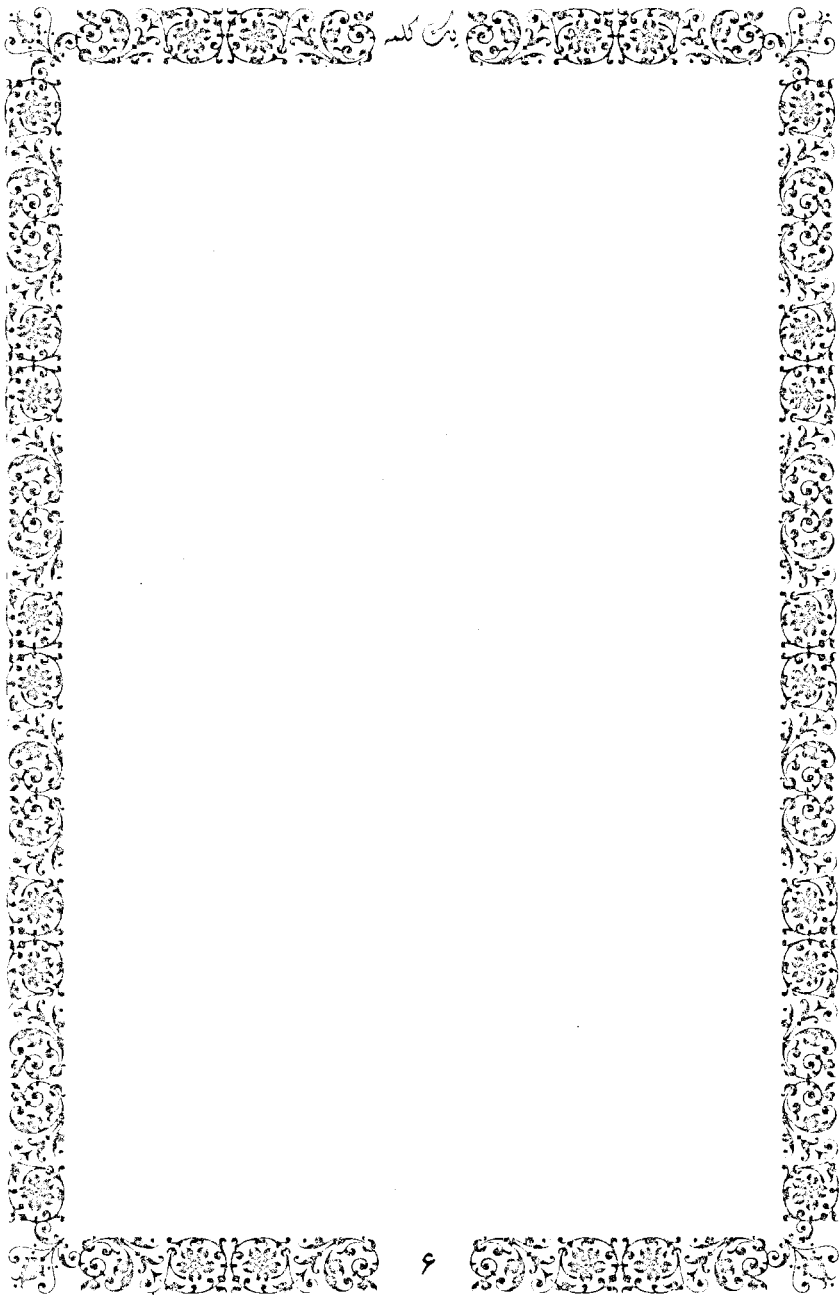
مستشارالدوله، یوسف‌بن کاظم، ۹ - ۱۳۱۳ ق
رساله موسوم به یک کلمه / میرزا یوسفخان تبریزی «مستشارالدوله»
به اهتمام علیرضا دولتشاهی -- تهران، بال، ۱۳۸۵.
۷۹ ص -- (آثار نظری جنبش مشروطیت ایران ۱)
۱- مستشارالدوله، یوسف‌بن کاظم، ۹ - ۱۳۱۳ ق. ۲- تجدیدگرایی (اسلام).
۳- ایران -- تاریخ -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۳ ق. ۴- قانونگرایی. الف.
دولتشاهی، علیرضا، ۱۳۴۴ -- ب. عنوان.
DSR ۱۳۹۱/م ۵۲۳ ۹۵۵/۷۴۵.۹۲

۱۳۸۵

کتابخانه ملی ایران ۸۵-۸۴۸۹

فهرست

۷	درآمد
۹	مستشارالدوله و یک کلمه‌اش
۱۹	رساله موسوم به یک کلمه
۲۵	مقدمه در شرح یک کلمه
۳۳	فصل در حقوق عامه فرانسه
۶۹	خاتمه مشتمل بر دو بیان



به:

جان باختگان گمنام
جنبش مشروطیت

درآمد

در آستانه عبور از سده نخست برپایی جنبش مشروطیت، بازخوانی آثار نظری این جنبش نیازی جدی است. بازخوانی آثاری که بی تردید در ایجاد زمینه‌های بروز رویدادی که به تعبیری شاید بی‌ماندترین حادثه تا زمان خود، در تاریخ ایران اسلامی بود، نقشی انکارناپذیر داشتند. یک کلمه نیز در زمره این آثار است. یک کلمه یگانه اثر مستشارالدوله نیست،^(۱) اما بی‌شک پرآوازه‌ترین آنهاست. کتابی که نگارشش پادافره‌ای سخت در پی داشت. چاپ نخست یک کلمه به صد و چهل سال پیش (۱۲۸۷ ق) بر می‌گردد و از آن تاریخ تاکنون تعداد بازچاپ‌های آن از تعداد انگشتان

۱- از دیگر رسائل وی می‌توان به الف) رساله راه آهن، تهران بی‌نا، بی‌تا ۱۹ ص. ب) علم طبقات الارض، بی‌جا، بی‌نا، ۱۲۹۹ ق، ۲۷۱ ص. پ) رمز جدید یوسفی تبریز: بی‌نا، ۱۳۰۳ ق، ۲۹۰ ص. ت) رساله در وجوب اصلاح خط اسلام، تهران: بی‌نا، ۱۳۰۳ ق، ۴۳ ص. اشاره کرد.

یک دست فزون تر نگشته است.^(۱)

یک کلمه نیز چون دیگر آثار نظری اندیشه مشروطیت از معاشرت با جوانان بازمانده و این شاید به علت گونه زبانی آن است. آنچه در پی می آید متن رساله یک کلمه است به همان صورتی که در سال ۱۳۲۵ ق نشر یافته اما نه با همان رسم الخط. از آنجا که نشر دوران قاجار شاید برای بسی از جوانان امروز - که مخاطبان این بازچاپ یک کلمه هستند - دشوار بنماید. واژه ها و بخش های عربی رساله یک کلمه در حواشی به فارسی برگردانده شده است. این بخش به کوشش دوست گرامی سرکار خانم الهه تیرا فراهم آمده است. برای آشنایی بیشتر با مستشارالدوله و جایگاه یک کلمه بر متن کتاب مقدمه ای به نام «مشتشارالدوله و یک کلمه اش» افزوده گشته است. امید که دیگر آثار نظری جنبش مشروطیت نیز در دست خوانندگان جوان قرار بگیرد.

علیرضا دولتشاهی

۱- یک کلمه در سالهای ۱۲۸۷، ۱۳۰۵، ۱۳۲۵ قمری در تهران به شیوه سنگی و در قطع وزیری نشر یافته و در سال ۱۳۶۳ خورشیدی نیز به همراه دو رساله دیگر توسط نشر تاریخ انتشار یافت.

مستشارالدوله و یک کلمه اش

باور گروهی بر این است که انقلاب مشروطیت در ایران محصول هیچ‌گونه کار فکری و نظری نبوده است و جریانی که به سقوط استبداد مطلقه انجامید برآمده از دل حوادث بود. در برابر به باور گروهی دیگر، نباید اختلاف میان دو ابرقدرت آن روزگار یعنی دولت بهیه روس و دولت فخریه انگلیس را از دیده دور داشت و در نتیجه انقلاب مشروطیت را محصول برنامه انگلیس برای کاهش قدرت روسیه‌ی تزاری در ایران می‌دانند. اما می‌توان ریشه‌های جریانی را که به انقلاب مشروطیت انجامید در دوران ناصری بازجست و نیز می‌توان سایه‌هایی از آن را در اواخر دوران فتحعلی‌شاه باز یافت.

چه دوست داشته باشیم و چه نه، حقیقت آن است که دموکراسی مفهومی غربی است و زاده‌ی آتن. هرچند که دموکراسی آتنی با مفهوم امروزی این دموکراسی چندان همانند نبوده است، اما آتن نقطه عزیمت مفهوم امروزی دموکراسی نیز است. انقلاب مشروطیت حاصل برخورد انسان ایرانی با غرب بود. شاید تعبیری که تروتسکی درباره انقلاب ۱۹۱۷ روسیه به کار برد، در مورد انقلاب مشروطیت نیز تعبیری بجا باشد: انقلابی که به آن خیانت شد.

از اعزام نخستین گروه دانشجویان ایرانی به اروپا به فرمان عباس میرزا نایب السلطنه تا سفر ناصرالدین شاه به فرنگ، دورانی است که انسان ایرانی با پدیده غرب آشنا می شود و این آشنایی در نگاه او به جهان تأثیر می گذارد.

از نتایج این برخورد، آغاز اندیشیدن در علل عقب افتادگی جامعه ایران از سیر پیشرفت و توسعه جهانی است.

اندیشه اصلاح یا تغییر خط فارسی، ایجاد دارالفنون - هرچند که گروهی تمام تلاش خود را به کار برده اند که ایجاد و برپایی دارالفنون را قائم به ذات امیرکبیر کنند و از این حقیقت غافل مانده اند که این روح زمان بود که دارالفنون را می طلبید، که درست پنج ماه پیش از افتتاح آن امیر از تمام مقام های خود عزل شده و سیزده روز بیشتر از شروع به کار آن امیر، جان باخت - برپایی سه مجلس، شورای دولتی، شورای وزیران و شورای مصلحت خانه به فرمان ناصرالدین شاه و... را می توان از نمودهای این دوران دانست.

با سفر ناصرالدین شاه به فرنگ در ۱۲۹۰ هـ ق که در حقیقت نخستین سفر یک پادشاه ایرانی به خارج از کشور است دوره دیگری در تجددگرایی ایران گشوده شد. دورانی که حاکمیت، خود در جهت تجددگرایی گام بر می داشت. به عنوان مثال: ایجاد شهرداری تهران به فرمان ناصرالدین شاه، هرچند که سرانجام اقدامات میرزا مهندس باشی، نخستین شهردار تهران عصر ناصری، به جهت نوسازی و زیباسازی منطقه ی بازار تهران - با وجود آن که از ملاعلی کنی فتوایی نیز در دست داشت - مورد مخالفت بازاریان و روحانیت

سستی قرار گرفت و در نهایت شهرداری تهران به فرمان ناصرالدین شاه منحل گردید. جدال میان سنت و تجدد در همین دوران ظهوری پررنگ تر می یابد و به گفتمان جاری در تاریخ معاصر بدل می شود. کیست که از جدال میان طرفداران مکتب خانه ها یا طرفداران دبستان های جدید - که زنده یاد حسن رشیدی بنیان گذار آن بود - خبر نداشته باشد و هنوز هم کسانی که جدال بر سر استفاده از حمام دوش دار یا خزینه را به یاد دارند در قید حیات اند. جدال سنت و تجدد تا روزگار ما نیز ادامه یافته است.

از چهره های عصر ناصری که در تکوین پایه های نظری مشروطیت بی تردید گام های مهمی برداشته و می توان وی را از نخستین کوشندگان اندیشه جامعه مدنی در ایران دانست. میرزا یوسف خان تبریزی ملقب به مستشارالدوله است. وی پس از چند سال خدمت در وزارت امور خارجه در سال ۱۲۸۳ هـ ق به کارداری سفارت ایران در پاریس منصوب شد و در این مقام تا سال ۱۲۸۶ هـ ق خدمت کرد. با به صدارت رسیدن حسین خان مشیرالدوله، مستشاری وزارت عدلیه به میرزا یوسف خان سپرده شد و در سال ۱۲۹۹ هـ ق به معاونت یحیی خان مشیرالدوله، وزیر عدلیه رسید و به مستشارالدوله ملقب گردید. اما به علت مقالات انتقادی که در نشریات ایرانی چاپ استامبول - که به نوعی مخالف دولت ناصری بودند - نوشت از کار برکنار و زندانی گردید. ولی پس از چندی دگربار به وزارت امور خارجه بازگشت و در سال ۱۳۰۱ هـ ق به سرکنسولی ایران در بمبئی نایل گشت و در سال ۱۳۰۷ به کارگزاری آذربایجان منصوب گشت اما

ارتباطش با میرزا ملکم خان علت عزل و زندان دگر بارش گردید. او مدتی را در زندان قزوین در کنار حاج سیاح سپری کرد. چندی بعد از زندان، رهایی یافت و سرانجام در سال ۱۳۱۳ ه‍.ق در تهران به دیار باقی شتافت.

میرزا یوسف مستشارالدوله نیز در رساله یک کلمه به علل عقب افتادگی جامعه ایرانی از پیشرفت و توسعه پرداخته و کوشیده علتی برای این مهم بیابد. اما او در این مرحله گامی نیز فراتر نهاد و چاره‌ای و مفری برای جامعه‌ی در بند استبداد و توسعه نیافتگی خویش اندیشد. وی از زبان هاتفی غیبی ترقیات و پیشرفت ممالک دیگر را از وجود یک کلمه می‌داند و رساله یک کلمه او در شرح و بیان همان یک کلمه است: قانون.

مستشارالدوله چگونگی قانون مورد نظر را از زبان دوستی - که وجود خارجی ندارد و بی شک خود اوست - چنین توضیح می‌دهد:

معهدنا من نگفتم کود [قانون] فرانسه با سایر دول را برای خودتان استنساخ کرده معمول بدارید مراد من کتابی است که جامع قوانین لازمه و سهل العبارة و سریع الفهم و مقبول ملت باشد. تدوین چنین کتابی با شروطی که در شرح تفاوتهای پنبجگانه بیان کردم ممکن است خصوصاً در دیوانی که اجزای آن از رجال دانش و معرفت و ارباب حکمت و سیاست باشند همه مکتب معتبره اسلام را حاضر و جمله کودهای دول متمدنه را جمع کنند در مدت قلیل

کتابی جامع نویسند چون کتابی چنین مقبول عقلای
ملت نوشته شود لامحاله وظیفه ملت و دولت بر
قانون می باشد. یک کلمه که من گفتم. این است.
در بازگفت بالا از یک کلمه، به روشنی اندیشه قانون اساسی و
تشکیل مجلس شورا آشکار است و از این رو است که رساله یک کلمه
را در شمار پیشگامان نظری اندیشه مشروطه خواهی می توان آورد.
اندیشه ای که پاداشش کوبیدن آن رساله بر سر آفریننده اش بود
استبداد مطلقه چنان در کوبیدن به راه افراط رفتند که چشمان
مستشارالدوله به عارضه مبتلا گردید.

به روزگاری که انسان ایرانی در شتاب حوادث جهانی و پیشرفت و
توسعه همه جانبه غرب حیران و بهت زده تنها نظاره گر بود و گاه تنها
نظاره گری هراسیده و بیمناک. روشنگرانی چون مستشارالدوله در تمام
میدان های اندیشه نو و مرزهای نامحدود فرداها پیکار کردند. از جمله
میدان هایی که مستشارالدوله در آن گام های اساسی برداشت اصلاح یا
تغییر خط فارسی بود.

هرچند اندیشه اصلاح یا تغییر خط را در آفریده های گذشتگان نیز
می توان دیدی. اما طرح دوباره این اندیشه که از دیگر نتایج برخورد
انسان ایرانی با غرب است و در روزگار نو با کوشش آخوندزاده رواج
یافت چنان با روح نوگرایی همبافته گشته که در ردیف شاخص ترین
ویژگی های اندیشه نو قرار گرفته است.

اما تجددگرایان با طرح اندیشه تغییر یا اصلاح خط در پی کدام
هدف بودند؟ به باور آنان یکی از علل عقب افتادگی انسان ایرانی از

قافله پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، عقب‌افتادگی از دانش فن است و بر این باور بودند که با نظام آموزشی موجود رسیدن به دانش روز جهان ناشدنی است و عمر کودکان ایرانی به بیهودگی در آموزش خط و زبان هدر می‌رود. این همان اندیشه‌ای است که رشدیه را به برپایی مدارس نوین رهنمون گردید. که تنها دو سال بعدتر از انتشار رساله "در وجوب اصلاح خط اسلام" (۱۳۰۳ ه‍.ق) نوشته مستشارالدوله رشدیه نخستین دبستان خود را در خاک ایران در تبریز گشود. (۱۳۰۵ ه‍.ق)

مستشارالدوله در مقاله‌ای که در ۲۲ جمادی‌الآخر ۱۲۹۷ ه‍.ق در روزنامه اختر نوشت، علل روی‌کرد به اندیشه اصلاح یا تغییر خط فارسی چنین بیان کرد:

هرگاه خط ما طوری اصلاح بشود که در طبع کتب به اساس و صور و اشکال آن‌ها تغییر عمده داده نشود ولی در تعلیم اطفال نوآموز ما و تحصیل طلاب تسهیل و ترقی علانیه ظاهر شود مثلاً الان که اطفال ما بعد از دو سال درس خواندن باز اکثری قرآن مجید را نمی‌توانند صحیح و بی‌غلط بخوانند. اما بعد از آن اصلاح در خط که مقصود ما است در دو ماه هم قرآن مجید را و هم سایر کتب و نوشتجات را در کمال صحت و درستی، بدون غلط بخوانند و نیز کتب مطبوعه ما یعنی کتاب‌های باسمه چاپی بدون یک غلط در کمال صحیحی و پاکیزگی و ارزانی بیرون

باید و اطفال ما در ظرف چهار پنج سال مراسله را با اقسام چهارگانه حساب و ژغرافی و تاریخ و از مقدمات سایر فنون و علوم نیز بهره یاب شوند. مستشارالدوله علاوه بر الفبای نوینی که ابداع نمود - هرچند که فروتنانه ابداع آن را به یکی از دوستان با فضل و هنر که او نیز در لزوم اصلاح خط اسلام با صاحبان این افکار سهیم و شریک است - نسبت می داد و این همان روشی است که وی در نگارش رساله یک کلمه نیز بکار برده - استفتایی از علمای وقت در وجوب اصلاح یا تغییر خط حاصل کرده خودش می نویسد:

چون بنده پیش خود خیال می کردم در اصلاح خط علمای اسلام مانع بشوند فلهمذا در سال ۱۲۹۷ [هـ.ق] که در مشهد مقدس توقف داشتم شرحی در معایب خط حاضر و عقب ماندن اهالی اسلام از مراتب ترقی این عصر نوشته و ضمناً در تغییر خط از علمای آن شهر مقدس استفتاء کردم. علمای عظام فتوای صریح به تغییر خط دادند.*

پاسخ علمای اسلام به راستی حیرت انگیز است زیرا آنان تغییر خط را برای پیشرفت مسلمانان نه تنها جایز که واجب نیز دانستند. به عنوان مثال می توان به پاسخ حاجی آقامیرزا نصرالله مجتهد مشهد در این باره اشاره کرد. وی در پاسخ مستشارالدوله نوشته است:

* - مستشارالدوله، یوسف. رساله در وجوب اصلاح خط اسلام، تهران، بی نا، ۱۳۱۳ قی ص ۷.

تغییر در خط کتب یا اختراع جدید مطلقاً جایز است بلاشکال بلکه هرگاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و تصحیح قرائت بشود راجح خواهد بود. اگر کسی توهم کند که این تغییر تشبه به اهل خارجه است و این جایز نیست این توهم ضعیف است چون که این گونه تشبیهات حرام نیست والا استعمال سماور باید جایز نباشد.*

شاید بیان این نکته بی فایده نباشد که در روزگاری که در ایران بحث بر اصلاح یا تغییر خط رواج و بازاری گرم داشت و هر کسی که دل به سوی تجدد و ترقی داشت الفبایی پی می افکند. در آن سوی خاک در اروپا نیز این بحث رواج داشت و دانشمندان در پی ایجاد زبانی یا دست کم الفبایی ساده تر بودند تا به وسیله آن دانش رواجی روان تر بیابد و ارتباطات میان انسان ها ساده تر گردد.

اما، امروز که صد و شش سال ** از خاموشی یوسف مستشارالدوله می گذرد. نسل جوان باید متون نظری مشروطیت را بازخوانی کند تا از آبشخورهای نظری اندیشه جامعه مدنی آگاهی یابد تا بتواند که اندیشه ایجاد و برپایی چنان جامعه ای که امروزه روز شعار گروه های بسیاری است، اندیشه ای است که بیش از یک سده در این مرز و بوم

*- رئیس نیا، رحیم. ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۱، تبریز. ستوده، ۱۳۷۴، ص ۱۳۶.

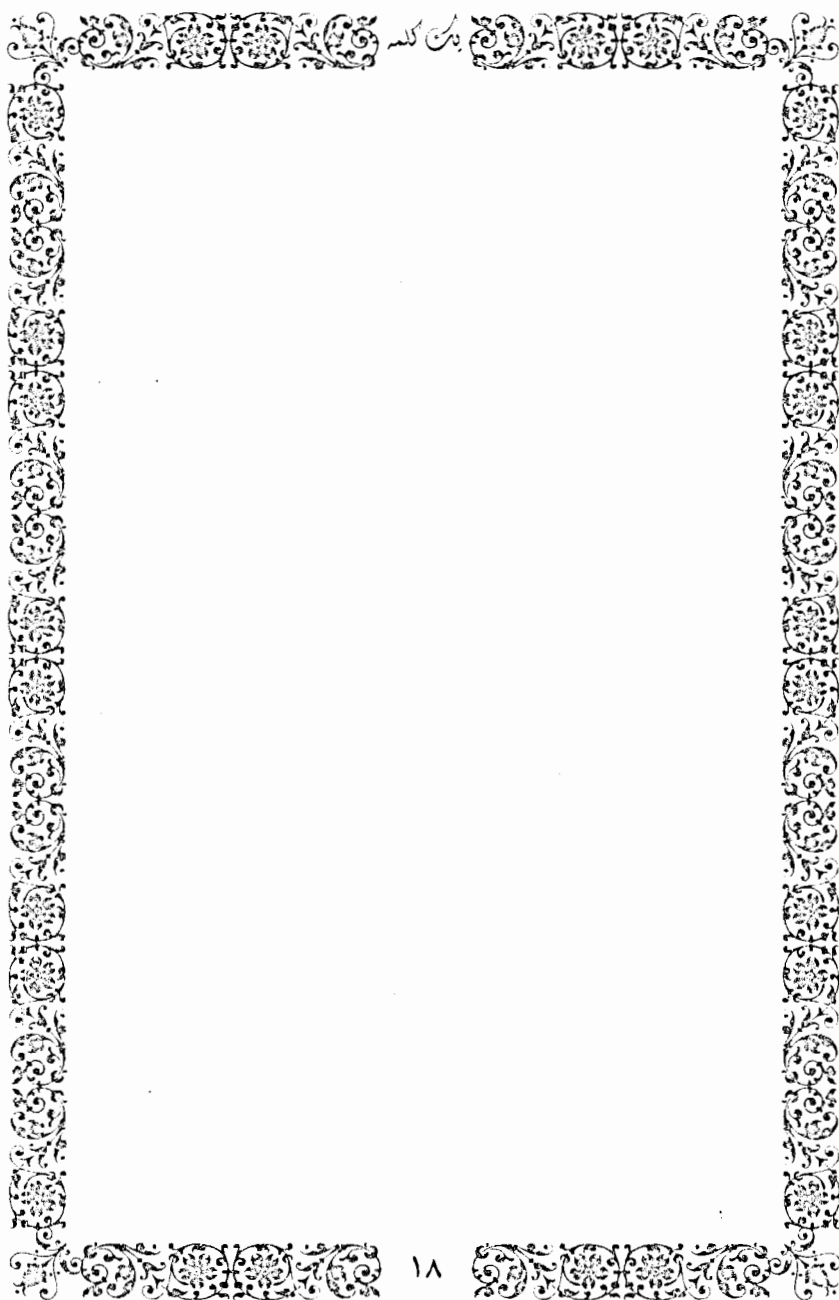
** - میرزا یوسف مستشارالدوله در همان سال ترور ناصرالدین شاه در گذشته است.

ریشه و پیشینه دارد و چه تن‌هایی در راه برپایی آن طعم حبس و شلاق را چشیده‌اند و گاه در خون خفته‌اند.

مستشارالدوله در یک کلمه‌اش نه تنها می‌کوشد تا قوانین یا به اصطلاح خودش کودهای فرانسه را - به عنوان قوانین مدنی - با قوانین اسلام مطابقت دهد. بلکه سر آشکار کردن آن را دارد که میان این دو گونه قانون - شرعی و عرفی - هیچ مغایرتی نیست و قوانین اسلام، قوانین مدنی مدرنی را نیز شامل می‌شود. مستشارالدوله در جایی از یک کلمه می‌نویسد: «پس از آن که دوست مزبور شروع مسطوره را از روی اطلاع کامل و بصیرت تمام به بنده نمود ختم کلام به این طور کرد. حال اگر به مشتملات کودهای فرانسه و سایر دول متمدنه عطف نظر کنیم خواهید دید که تداول افکار امم و تجارب اقوام عالم چگونه مصدق شریعت اسلام اتفاق افتاده و خواهید فهمید که آنچه قانون خوب در فرنگستان هست و ملل آن جا به واسطه عمل کردن به آن خود را به اعلی درجه ترقی رسانیده‌اند پیغمبر شما هزار و دویست و هشتاد سال قبل از این برای ملت اسلام معین و برقرار نموده». و این همانی است که گروندگان جنبش روشنفکری مذهبی در ایران معاصر در پی آن هستند.

علیرضا دولتشاهی

پاییز ۱۳۷۷



رساله موسوم به یک کلمه

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده کمتترین، یوسف خلف مرحمت پناه حاجی میرزا کاظم تبریزی در سال هزار و دویست و هفتاد، به موجب فرمان مبارک اعلیحضرت ولی نعمت همایون شاهنشاه ایران ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه به کارپردازی حاجی ترخان که به اصطلاح فرانسه (کونسلی) باشد، مأمور شدم، مدت هشت سال در آن جا اقامت کرده، در تاریخ هزار و دویست و هفتاد و هشت حسب الاجازة اولیای دولت علیه به ایران مراجعت کرده و به زیارت خاک پای همایون پادشاهی شرف اندوز گشتم.

پس از هفت ماه توقف در طهران حسب الامر، به حاجی ترخان معاودت کردم و بعد از سه ماه به عزم سیاحت از حاجی ترخان به مسکو و از آن جا به پترزبورغ^(۱) رفتم،

۱- لنینگراد. این شهر پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی در روسیه، دیگر بار به نام پیشین خود پترزبورگ نامیده می شود.

شش ماه در بطرزبورغ در جای وزیر مختار دولت علیه
شارژدافر^(۱) ماندم.

پس از آن در تاریخ هزار و دویست و هشتاد هجری به
کونسول ژنرالی تفلیس سرافرازی حاصل کردم، چهار سال
تمام در تفلیس ماندم، در مدت اقامت خود در مملکت
مزبوره که انتظام و اقتدار لشکر و آسایش و آبادی کشور را
می دیدم همواره آرزو می کردم. چه می شد که در مملکت
ایران نیز نظم و اقتدار، و این آسایش و آبادی حاصل
می گردید.

در اواخر سال هزار و دویست و هشتاد و سه هجری. به
موجب فرمان پادشاهی خلدالله ملکه به شارژ دافری پاریس
سرافراز گشتم. از راه اسلامبول عازم مقصد گردیده، وقتی که
داخل شهر پاریس شدم و (اکسپوزیسیون) یعنی بساط
عمومی هزار و دویست و شصت و هفت مسیحیه^(۲) را
ملاحظه و مشاهده کردم و در مدت سه سال اقامت خود در
پاریس چهار دفعه به عزم سیاحت به لندن رفتم.

در این مدت می دیدم که در فرانسه و انگلیس انتظام
لشگر و آبادی کشور و ثروت اهالی و کثرت هنر و معارف و
آسایش و آزادی عامه، صد آن قدر است که در مملکت
سابق الذکر دیده بودم و اگر اغراق نشمارند توانم گفتن که
آنچه در مملکت سابق الذکر مشاهده کرده بودم نمونه بوده

است، از آن که بعد در فرنگستان می دیدم اگرچه سبب این نظم و ترقیات و این آبادی را از عدل می دانستم به سبب آن که این سلطنت و این ثروت و این آبادی و عمارت و به غیر عدالت میسر نمی شود، چنان که در اثر آمده است.

لَا سُلْطَانَ الْأَمْوَالِ وَلَا مَالَ الْإِبْعَارَةِ وَلَا عِمَارَةَ الْأَبْعَدِلِ^(۱)
و هرچند بر وجه یقین می دانستم که این عمارت از عدالت است و این ثروت و راحت از حسن سیاست، لیکن پیش خود خیال کرده و به خود می گفتم: با این که بنیان دین اسلام بر عدل و انصاف است

و با این که در چندین جای قرآن مجید، خدای تعالی عدل را ستوده و سلاطین و حکام اسلام نیز هیچ وقت منکر عدل نبوده اند پس چرا ما چنین عقب مانده و چرا این طور از عالم ترقی خود را دورتر داشته ایم.

چون روزی در این فکر شدم از شدت تفکر خوابم ربود، پنداشتم هاتف غیبی از سمت مغرب ما بین زمین و آسمان به سوی مملکت اسلام متوجه شده [و] به آواز بلند می گفت:

ای سالکان سبیل شریعت سیدانام! و ای پیشوایان با غیرت اهل اسلام!

أَيْنَ أَنْتُمْ مِنَ النَّصْرَةِ وَالسُّلْطَانَةِ أَيْنَ أَنْتُمْ مِنَ الثَّرْوَةِ وَالْمَعْرِفَةِ

۱- هیچ سلطنت جز به مال و هیچ مالی جز به سازندگی و هیچ سازندگی جز به عدل صورت نمی گیرد.

چرا این طور غافل و معطل نشسته‌اید و چرا از حالت ترقی سایر ملل اندیشه نمی‌کنید، همسایه شما وحشیان کوهستان را داخل دایرهٔ مدنیت کرده و هنوز شما منکر ترقیات فرنگستان هستید. در کوچک‌ترین بلدهای مجاور شما، مریضخانه‌ها و معلم‌خانه‌هایی^(۱) منتظم برای ذکور و اناث^(۲) بنا کرده‌اند.

و هنوز در معظم‌ترین شهر شما یک مریضخانه و یک معلم‌خانه نیست کوجه‌های دهات همجوار شما تنظیم و توسیع و تطهیر یافته، ولی در شهرهای بزرگ شما به سبب تنگی و اعوجاج^(۳) و کثافت و سوراخ‌های بی‌نهایت که در کوجه‌هاست عبور نامقدور گردیده.

در هم‌جواری شما راه آهن می‌سازند و هنوز شما به راه عزّاده نپرداخته‌اید، در همسایگی شما جمیع کارها و امورات اهالی در محکمه‌های منتظمه از روی قانون بر وفق حقانیت فیصل می‌یابد. در دیوان‌خانه‌های^(۴) شما هنوز یک کتاب قانون نیست که حکام عُرُف تکلیف خود را از روی آن بدانند. در همسایگی شما هرکس بدهی^(۵) خود را بی‌محصل آورده به دیوان می‌دهد. در ملک شما حکومت را مجبور به گماشتن تحصیل‌داران^(۶) می‌کنند فلان و فلان...

۱- مدرسه‌هایی

۲- مردان و زنان

۳- پیچیدگی

۴- دیوان‌خانه‌ها = دادگستری

۵- مالیات

۶- مالیات‌بگیران

این غفلت و بی‌اعتنائی مآلش برای شما و اخلاف شما موجب خسارت و ندامت عظیم خواهد گشت. در روز جزا در حضور خداوند مسئول و شرمنده خواهید شد، از خواب غفلت بیدار بشوید. برخود و اخلاف خود ترحم کرده به معاونت و ارشاد و اولیای دولت و به اتفاق و اتحاد علمای دین راه ترقی خود را بیابید.

چون هاتف غیبی از ایراد این مقالات فارغ گشت (بنده از خواب بیدار گشتم) در حالتی که بدنم از صولت تقریرات هاتف به شدت تمام می‌لرزید پس از آن که آرام حاصل شد، عزم این [اثر] را کردم، با یکی از دوستان که از تواریخ و احادیث اسلام اطلاع کامل داشت ملاقات کرده، سرائین معنی را بفهمم که چرا سایر ملل به چنان ترقیات عظیمه رسیده‌اند و ما در چنین حالت کسالت و بی‌نظمی باقی مانده‌ایم. به آن دوست رسیده این مطلب را با او به میان آورده، سرائین معنی را پرسیدم، جوابم چنین داد که بنیان و اصول نظم فرنگستان یک کلمه است و هرگونه ترقیات و خوبی‌ها در آن جا دیده می‌شود نتیجه همان یک کلمه است.

گفت اهل مملکت شما از اصول مطلب دور افتاده‌اند (پرسیدم چگونه؟ دوست مزبور جواب داد که بعضی از شما نظم و ترقی فرنگستان را از فروعات غیر برقرار می‌دانید و برخی از علوم و صنایع تصور می‌نمائید. مانند تلغراف و کشتی‌ها و عرّاده‌های بخار و آلات حربیه که این‌ها نتایج

است نه مقدمات، و فقط به نظریات ساده قصد نظر می‌کنید و از عملیات صرف نظر می‌نمائید و اگر می‌خواهید در ایران اسباب ترقی و مدنیّت راه بیندازید در بدو کارها از تعیین کلمه واحده غفلت می‌نمائید و هرگاه کسی از دانشمندان اسلام محض خدمت وطن تألیفی بر این مواد می‌نویسد از تاریخ و صنایع فرنگستان تعریف می‌کند و از بنیان و اصول عمل اداره آنها اشاره نمی‌نماید این است که کودهای^(۱) کارگزاران دول اسلام بی‌ثمر و نوشته‌های مؤلفین این مطلب متروک و بی‌اثر مانده (گفتم چه گونه یک کلمه) مگر با یک کلمه این همه ترقیات می‌تواند حاصل برد آن یک کلمه چیست، معنی آن را به من بیان کنید؟ گفت معنی یک کلمه را من می‌گویم و شما در رساله خود درج نمایید.

مقدمه در شرح یک کلمه

آن دوست چنین گفت، یک کلمه که جمیع انتظامات فرنگستان در آن مندرج است کتاب قانون است که جمیع شرایط و انتظامات معمول بها که به امور دنیویه تعلق دارد در آن محرر و مسطور^(۱) است و دولت و امت معاً کفیل بقای آن است چنان که هیچ فردی از سکنه فرانسه یا انگلیس یا نمسه^(۲) یا پروس^(۳) مطلقاً تصرف نیست.

یعنی در هیچ کاری که متعلق به امور محاکمه و مرافعه و سیاست و امثال آن باشد به هوای نفس خود نمی تواند عمل کرد. شاه و گدا و رعیت و لشگری در بند آن مقید هستند و احدی قدرت مخالفت با کتاب قانون ندارد و باید بدانید که قانون را به لسان فرانسه (لووا) می گویند و مشتمل بر چند کتاب است هریک از آنها را (کود) می نامند و آن کودها در نزد اهالی فرانسه، به منزله کتاب شرعی است در نزد مسلمانان، اما در میان این دو فرق زیاد هست.

۱- به سطر درآمده و تحریر شده، نوشته شده.

۳- آلمان

۲- اتریش

فرق اول (کود) به قبول دولت و ملت نوشته شده نه برای واحد.

فرق دوم آن است که کود فرانسه همه قوانین معمول بها را جامع است و از اقوال غیر معموله و آرای ضعیفه و مختلف فیها عاری و منقح است. اما کتب فقهیه اسلام اقوال ضعیفه را نیز حاوی است و هر قولی اختلاف کثیر دارد به نحوی که تمیز دادن صحیح از ضعیف دشوار است اگرچه مجتهد و مفتی باشد. مگر اعلم از علماء عظام بهتر می بود که به مفاد فرمان جلیل: *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا*^(۱). علما متفق شده قوانین شریعت را معین فرموده بنویسند و همه مهر کنند و اولیای دولت و وکلای ملت نیز مهر کرده در خزانه ضبط نموده و از روی آن نسخ متعدده طبع کرده و تمام حکام و صاحبان دیوان از اعلی و ادنی حتی کدخدایان شهرها بدانند که بنای عمل عامه مردم بر شریعت می باشد و قادر به اجرای حکم خلاف قانون شریعت نخواهد بود.

فرق سیم آن است که کود فرانسه به زبان عامه نوشته شده است معانی و مقاصدش به سهولت مفهوم می شود و شرح و حاشیه را احتیاج ندارد.

معنی البلاغ المبین در قرآن متین این است پس کتاب قانون بدون اغلاق^(۲) به زبان معمول این زمان که هرکس از

۱- به ریسمان الهی جنگ زنید و پراکنده نگردید.

۲- مغلق گویی، پیچیده گویی.

خواندن آن بهره‌مند شده تکلیف خود را بدانند باید نوشته شود.

فرق چهارم که عمده و اَهم است آن است که کود فقط مصالح دنیویّه را شامل است چنان که به حالت هرکس از هر مذهب و ملت که باشد موافقت دارد و امور دینیّه را کتاب مخصوص دیگر هست. اما در کتاب شرعی مسلمانان مصالح دنیا به امور اُخرویّه چون صلوٰه و صوم و حج مخلوط و معزوج است فلّهذا برای سیاست عامه ضرر عظیم دارد چراکه ملل غیرمسلمه از ساکنان معالک اسلام به خواندن کتاب قانون شما رغبت نمی‌کنند.

به سبب آن که احکامی از قبیل صوم و صلوٰه و حج و خمس و زکوٰه و امثال آنها با مذهب ملل غیرمسلمه موافق نیست و به هیچ وجه به احکام مزبوره عمل نخواهند کرد. اما در سایر احکام که به امور دنیا تعلق دارد تکلیف رعایایی که از مذاهب مختلفه در تحت اختیار دولت واحده هستند علی‌السویه است.

پس هرگاه مانند علمای متقدمین قوانین اسلام را کتاب‌های علیحده بنویسند مثلاً کتاب عبادات و معاد علیحده و کتاب سیاست و معاش را علیحده، ضرری به شریعت نخواهد داشت و در حدیث شریف اَنتم اَعْلَمُ بِأَمْرِ دُنْیَاکُمْ^(۱) فرموده شده تنظیم امور دنیا را با اعتبار مکلفان

۱- شما به کار دنیاتان آگاه‌ترید.

سفارش نموده.

فرق پنجم کود قوانین عرفیه و عادیه را نیز جامع است ولی در نزد مسلمانان مسائل بسیار که به عرف و عادت تعلق دارد در سینه‌هاست نه در کتاب و مادام که قوانین عرفیه در کتاب محدود نیست وقوع مظالم بی‌شمار به اسم عرف و عادت آسان است با وجودی که اصول متخذة مسلمانان به شریعت پیغمبر (ص) اسلام موافق نیست که در اثر آمده المعروف عرفاً کالمشروط شرعاً^(۱). پس قید و تسجیل^(۲) قوانین عرفیه نیز واجب است. از جمله هر وقت که ذات امپراطور یا پادشاه وضع قانونی را اراده نماید اگر به مالیات و خراج متعلق نباشد، اول به دیوان سنا یعنی مشورت‌خانه اعظم ارسال می‌کنند بعد به دیوان وکلای ملت و الا بالعکس یعنی اگر متعلق به خراج نباشد اول به دیوان وکلای ملت می‌فرستند، بعد به سنا و این قاعده به آیه کریمه و امرهم شوری بئینهم^(۳) موافق است و قضیه امتحان و تدقیق و مباحثه وکلای ملت به فرمان عالی (فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ)^(۴) مطابقت تمام دارد و حسن این ترتیب در عقول سلیمه محل انکار نتواند شد.

۱- آنچه عرفاً معروف است مانند چیزی است که در شرع، شرط نشده باشد.

۲- عهد کردن

۳- شوری / ۳۸. آنانکه کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دهند.

۴- ای صاحبان دیده از این حادثه عبرت گیرید.

چون اهالی فرانسه و سایر دول متمدنه به واسطهٔ وکلای خود از حق و ناحق مباحثه و گفتگو کنند هر تکلیفی را که قبول نمایند ظهور اختلاف و عدم مطاوعت^(۱) محال می‌باشد که خود بر خود حکم کرده‌اند و ذات امپراطور و پادشاه نیز ایمن باشد. زیرا که از غدر^(۲) ارباب نفوذ و از فتنهٔ اهل فساد به این طریق فارغ‌البال می‌شود و هرچه فرماید مخالفی را تصادف نکنند و امراء و ارکان دولت نیز آسوده و فارغند، به سبب آن که امور مصالحی را که در اکثر احوال موجب شکایت‌ها تواند شد بعد از آن که به دیوان وکلای ملت اعلام و آرای عامه را استحصال^(۳) کردند دیگر بر دولت و امت چه غایله^(۴) و هایلله^(۵) خواهد ماند.

گذشته از قانون غالب امور دیوانی نیز در فرنگستان به قبول ملت و دولت اجرا می‌یابد هرکه این تفاوت‌های پنجگانه را به خلوص خاطر و تأمل تمام بخواند لاجرم خواهد دانست که در فرنگستان شخصی مطلق‌التصرف نیست. یعنی خودرأی و خودسر در امور اهالی نمی‌تواند مداخله و محاکمه نماید مگر موافق آنچه در قانون نوشته شده. خلاصه همه سربسته‌اند به رشتهٔ قانون و در این معنی در

۱- اطاعت، موافقت

۲- نیرنگ

۳- نتیجه گرفتن، به دست آوردن

۴- دشواری

۵- ترس

قرآن کریم می‌فرماید: ای‌حسب‌الانسان ان یتَرَک سدی^(۱) چون در مملکتی که انسان سر بسته است و سدی نیست یعنی مثل شتر گلانی^(۲) نیست هرکس به قانون معین و وظیفه خود داند و به کار و شغل خود بپردازد لامحاله ستم نکند و ستم نبیند زیرا هر چیزی را که خارج از قانون است داند و مدافعه کند و قانون حسب‌الاصول مذکوره در زیر کفالت دولت و امت است و بقای او عین بقای جان و مال و جماعت است. اکنون می‌توانم گفت که یک کلمه سابق‌الذکر عبارت از قانون است ولی به شرط آن که مقاصد تفاوت‌های پنجگانه را موافق باشد. همه عمارت و انصاف در این است عمارت و ثروت و راحت همه از عدالت می‌زاید و وصی پیغمبر، علی فرموده‌اند: العدلُ أساسُ العمران^(۳) سؤال کردم که کودها از چگونه مبادی اجتهاد کرده شده است. جامع حق است یا باطل در جوابم گفت: اگرچه کودها جامع حق است و سرمشق چندین دول متمدنه معه‌ذا من نگفتم که کود فرانسه یا سایر دول را برای خودتان استنساخ کرده معمول بدارید مراد من کتابی است که جامع قوانین لازمه و سهل‌العبارة و سریع‌الفهم و مقبول ملت باشد. تدوین چنین کتابی با شروطی

۱- آیا گمان می‌کند انسان که بیهوده به خود واگذار شده و غرضی در خلقتش منظور نبوده. القيامة / ۳۶.

۲- شتر یا اسبی که برای مدتی در مرتع رها شده باشد.

۳- عدل، اساس آبادی است.

که در شرح تفاوت‌های پنج‌گانه بیان کردم ممکن است خصوصاً در دیوانی که اجرایی آن از رجال دانش و معرفت و ارباب حکمت و سیاست باشند همه کتب معتبره اسلام را حاضر و جمله کودهای دول متمدنه را جمع کنند در مدتی قلیل کتابی جامع نویسند.

چون کتابی چنین مقبول عقلایی ملت نوشته شود و به دستخط همایون شاهنشاه برسد و حفظ آن به عهده مجلس مخصوص مستقل سپرده شود. لامحاله وظیفه دولت و ملت بر قانون می‌باشد. یک کلمه که من گفتم این است و تدوین چنین کتابی به طریق مذکور یعنی بر وجه مذاکره و مشاوره در نزد اسلام نامسبوق^(۱) نیست.

در کتب اخبار ثبت است که در اوایل اسلام اصحاب پیغمبر قوانین تجهیز لشگر و تدوین دیوان‌ها را از قانون فرس قدیم اقتباس کردند و عالمیان را معلوم است که شاه عالم‌گیر از سلاطین هند به جمع علما و کُبرا فتاوی مشهوره و منقحه^(۲) را به وجود آورد.

پس از آن که دوست مزبور شروح مسطوره را از روی اطلاع کامل و بصیرت تمام به بنده نمود ختم کلام به این طور کرد، حال اگر به مشتملات کودهای فرانسه و سایر دول متمدنه عطف نظر کنیم خواهیم دید که تداول افکار امم و تجارب اقوام عالم چگونه مصدق شریعت اسلام اتفاق افتاده

و خواهید فهمید که آنچه قانون خوب در فرنگستان هست و ملل آن جا به واسطه عمل کردن به آن‌ها خود را به اعلی درجه ترقی رسانیده‌اند پیغمبر شما هزار و دویست و هشتاد سال قبل از این برای ملت اسلام معین و برقرار فرموده. پس از اتمام صحبت با دوست مزبور چندی اوقات خود را به تحقیق اصول قوانین فرانسه صرف کرده بعد از تدقیق^(۱) و تعمق همه آنها را به مصداق لَا رَطْبَ وَلَا يَاسِ الْأَفْئِ كِتَابِ مُبِينٍ^(۲) با قرآن مجید مطابقت یافتیم. زهی شرع مبین که بعد از تجربه‌ها هزار و دویست و هشتاد سال بیهوده نگشته. و زهی جبل متین که پس از ترقی علوم (و تقدم فنون) فرسوده نشده بهتر آن است که بیان تفصیل این نکته را از ماقبلش فصل نموده، و به جهت اطلاع وطن‌تاشان^(۳)، خود به ایراد اصول قوانین فرانسه پردازم.

۱- دقت و باریک‌بینی

۲- هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه وجود داشته باشد به وضوح در کتاب

(قرآن)

۳- هموطنان

فصل در حقوق عامه فرانسه

اگر ما تجسس و تفحص در اجزای کودهای فرانسه بکنیم اطناب^(۱) بی منتها و کار بیهوده و بی حاصل است زیرا که همه قوانین دنیویه برای زمان و مکان و حال است و فروع آن غیر برقرار است، یعنی فروع آنها قابل تغییر است ولی اجمالاً عرض می‌کنم که روح دائمی کودهای مزبوره و جان جمله قوانین فرانسه مشتمل بر بیست و یک فصل است چنان که در ابتدای کود چاپ شده در فقره اول از نظامنامه حکومت که (کنستی توسیون) نام دارد عبارتی مسطور شده که ترجمه اش این است (کنستی توسیون): شناخت و تصدیق و تفکک^(۲) کرد آن اصول کبیره را که در سال هزار و هفتصد و هشتاد و نه^(۳) اعلان شده بود آن اصولی که اساس حقوق عامه فرانسه است. بنده آن اصول کبیره و اساسیه را تفحص کردم، بر وجه اشارت^(۴) سابقه و ارقام آتیه در بیست و یک فصل مندرج یافتم. پس ترجمه آن فصول را به عبارت فارسی در این رساله ثبت نمودم.

۱- پرگوبی

۲-

۳- سال رخداد انقلاب کبیر فرانسه.

۴- مورد اشاره

اصول کبیره اساسیه فرانسه این ها است:

- (۱) مساوات در محاکمات در اجرای قانون.
- (۲) منصب و رتبه دولت برای هیچ کس ممنوع نیست اگر اهل باشد.
- (۳) حریت شخصیه، یعنی هر کس حرّ و آزاد است و کسی را مجال تعرض نیست مگر به حقوقی که در کود مذکور است.
- (۴) امنیت تامه بر نفس - [۵] عرض - و [۶] مال مردم
- (۷) مدافعه ظلم هر کس را حق است.
- (۸) حریت مطایع، یعنی هر کس آزاد و مختار است در نگارش و طبع خیال خود به شرط آن که مخالف و مضر احکام کود نباشد. اگر مخالف و مضر باشد منع و ازاله^(۱) ضرر واجب است.
- (۹) حریت عقد مجامع، یعنی جماعت حر و مختار است در اجتماع اگر مذاکرات ایشان به کود مخالف و مضر نباشد.
- (۱۰) اختیار و قبول عامه اساس همه تدابیر حکومت است.
- (۱۱) حریت سیاسیه، یعنی اهالی حق دارند در انتخاب وکلا و نواب برای دیوان (کوراژیسلاتیف) یعنی دیوان قانون گذار که در مقابل دیوان دولت است.

۱- زدودن و زائل کردن

- (۱۲) تعیین مالیات و باج به موجب ثروت بلامتیاز.
 - (۱۳) تحریر اصول دخل و خرج دولت.
 - (۱۴) هر مأمور و حاکم در تصرفش مسئول است.
 - (۱۵) قدرت تشریع و قدرت تنفیذ، بالفعل منقسم باید بشود و در ید واحد نباشد، یعنی مجلس وضع قانون جدا و مجلس اجرای قانون جدا باشد و به هم مخلوط نباشد.
 - (۱۶) عدم عزل اعضا از محکمه‌ها.
 - (۱۷) حضور رژیها [ژوری‌ها]^(۱) در حین تحقیق.
 - (۱۸) تشهیر^(۲) و مفاوضات^(۳) سیاسیه و حوادث جنائیه در روزنامه رسمیّه، یعنی هر منصب و رتبه و شغل به هر کس دادند و هر قسم تنبیه و سیاست در حق مجرمین روا دانستند و هرگونه تقریرات^(۴) در مجلس مبعوثان ملت ایران کردند در روزنامه‌جات رسمیّه آن روزی حقیقت وقایع اعلان و انتشار یابد.
 - (۱۹) عدم شکنجه و تعذیب.
 - (۲۰) حریت صنایع و کسب.
 - (۲۱) بنای مکتب‌خانه‌ها برای اطفال فقرا.
- اکنون می‌خواهم بعضی ملاحظات خود را براساس کودهای فرانسه‌ها معروض خدمت هموطنان خود بدارم.

۱- ژوری‌ها، هیأت منصفه.

۲- انتشار

۳- گفتگوها

۴- بیانات

فصل اول که عبارت است از مساوات - در محاکمات و مراعات^(۱) در اجرای قانون، یعنی اجرا شدن احکامی که در قانون نوشته شده در حد اعلی و ادنی، وضع^(۲) و شریف، قوی و ضعیف به طریق مساوات باشد و به هیچ وجه امتیاز نداشته باشد اگرچه مدعی و مدعی علیه ذات امپراطور باشد حکم قانون چون دیگران بر او نافذ است. ملاحظه باید کرد این قضیه را که بر اقامت عدل و انصاف چه قدر مدخلیت دارد و در دین مقدس اسلام اساس همین است. طلب قصاص عکاشه و ابوسعید الخدری از حضرت رسالت پناه و مرافعه جناب ولایت مآب علی علیه السلام با خصم خود در نزد شریح قاضی ثبت کتب احادیث است و در کتب تواریخ آمده که ابویوسف قاضی خلیفه عصر هارون الرشید را به جهت ادعای یهودی به محکمه شرع برده و مرافعه کرده و خدای تعالی در قرآن مجید در سوره نساء امر به این معنی فرموده می فرماید: **وَإِذَا حُكِمَ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ**. یعنی زمانی که حکم کنید میان خودتان حکم کنید به مساوات. زیرا که عدل در لسان عرب به معنی تسویه است چنان که اعتدال المیزان گویند (در سوره نحل ایضاً فرموده: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ**)^(۳) و ایضاً در سوره مائده امر می فرماید:

۱- دادخواهی کردن

۲- تروتمند

۳- خداوند امر می کند به عدل و احسان و صلۀ رحم و نهی می فرماید از

إِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ^(۱) یعنی اگر حکم کنی تو پس حکم کن میان ایشان به عدل و مساوات. ایضاً در سوره مزبوره می‌فرماید: فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِي یعنی ای حکم‌کنندگان مترسید از مردمان در اجرای احکام حق و بترسید از من که خداوند هستم و باز در سوره انعام می‌فرماید: وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى^(۲)

یعنی زمانی که حکم کنید پس طریق عدل و مساوات را مرعی دارید اگرچه محکوم علیه خویش نزدیک شما باشد و باز در سوره ص خطاب به حضرت داود می‌فرماید: يَادَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى^(۳)

یعنی به درستی که ای داود گردانیدیم تو را خلیفه را در روی زمین پس حکم کن میان مردمان به راستی و مساوات چنان‌که محقق در شرایع الاسلام در کتاب قضا فرموده تَجِبُ التَّسْوِيَةُ بَيْنَ الْخُصُومِ^(۴).

حال ما باید بدون اغماض از راه حقانیت و انصاف بگوئیم که در کدام [...] به هر ذی‌شعوری بدون دلیل معلوم است که ظلم، قبیح و مخرب مملکت و سبب غضب خدا و

فحشا و منکر باشد که پذیرای پند شوبد. النحل / ۹۰

۲- الانعام / ۱۵۲

۱- المائدة / ۴۲

۳- ص / ۲۶

۴- واجب است رعایت عدل بین دشمنان

موجب انواع ذلت‌هاست. حکام حالیه اسلام و مقصری را که بالفرض شرب یا خلاف دیگر کرده به معرض عتاب^(۱) می‌آورند در آن بین حاکم به سبب‌های دیگر متغیر است، امر به کشتن یا قطع ید او می‌نماید و اگر تغیر خارجی ندارد حکم می‌کند او را به چوب می‌بندند در این بین رقع^(۲) ای به دست حاکم می‌دهند - اندازه چوب خوردن مقصر موقوف به مطلب آن رقع است اگر مطول است آن قدر باید چوب بخورد تا رقع تمام شود اگر مختصر است کمتر چوب خواهد خورد. اغلب اوقات اندازه چوب خوردن مقصر موقوف به تشفی قلب حاکم است و اگر قصی القلب است مقصر در زیر چوب می‌میرد و الا ناخن‌هایش می‌ریزد. کدام یک از محکمه‌های عدالت مملکت اسلام موافق احکام مزبوره رفتار می‌شود. کدام یک از احکام [احکام] عرف را در دست خود کتاب قانون است که از روی آن که با رعایا که امانت محترمه خداوند است رفتار کند.

هر عقل و هر قانون و هر انصاف تصدیق می‌کند که تنبیه هرگونه جرایم قبل از وقت باید معین شده باشد که حکام را از آن اندازه نه قدرت زیادتر باشد نه کمتر با این که در شرع مقدس، پیغمبر آخرالزمان در حدود نهایت تأکید شده مع هذا چیزی که اصلاً محل اعتنا نیست این مسئله است و تأدیب بندگان خدا محول به میل حکام شده، مثلاً چند نفر مقصر که

درجه جرم آنها همه به یک قرار باشد بعضی را حاکم می‌کشد
برخی را چوب می‌زنند بعضی را خلعت می‌دهد. در همین فقره
اندک تأمل بشود معلوم می‌گردد چقدر ظلم فاحش خارج از
طریق عقل و انصاف است و همچون مملکت نیست از خرابی
و بلا و غضب و استیلای بیگانه ایمن باشد. از مضرت و
قباحت آن اگر کتاب‌ها شرح داده شود کافی نخواهد بود.

فصل دوم از فصول مذکوره (کنستی‌توسیون) فرانسه
عبارت از امتیاز فصلی است.

یعنی نائل شدن به منصب و رتبه دولت از روی فضل و
علم مقصود از فضل و علم نه این است که یک نفر سرتیب یا
یک نفر حاکم در علوم انشا و ادبیات ماهر و فاضل باشد بلکه
مقصود این است که یک نفر سردار در بدو طفولیت علوم
متعلقه به نظام و لشگرکشی را تحصیل کرده و در مدرسه
نظامیه عمل آن را نیز ببیند و بعد داخل خدمت عسکریه^(۱)
شده مراتب را به تدریج طی کرده و در وقت و موقع خود به
رتبه سرداری یا سپهسالاری برسد. همچنین یک نفر حاکم
باید از بدو درس اداره و علم حقوق را تحصیل بکند و از
کدخدایی به تدریج ترقی کرده به فرمانروایی برسد و طرز
سلوک و رفتار خود را با زیردستان خود بداند و با آنها از
روی نصفت و عدالت رفتار کند در این باب نیز خدای جهان

ما را از ارشاد و هدایت محروم نفرموده چنان که در سوره
حجرات می فرماید:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ^(۱) یعنی:

عزیز و مکرم ترین شما نزد خداوند پرهیزگارتر شماست
و باز در سوره هود می فرماید:

و يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ^(۲) یعنی:

بدهد خدای صاحب فضلی را جزای فضل او. باز در
سوره آل عمران می فرماید:

لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ^(۳) یعنی:

ضایع نگردانم عمل عاملی را از شما. باز در سوره والنجم
می فرماید:

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا
بِالْحُسْنَى^(۴) یعنی:

سزا دهد آنان را که بد کردند و جزا دهد آنان را که نیکویی
کردند و در سوره بقره فرموده: وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ^(۵)

یعنی: فراموش نکنید تفضیل را در میان یکدیگر. ایضاً در
سوره نور در آیه ۳۸ می فرماید: لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا
الْخ.

و کلام معجز نظام حضرت ولایت پناه علی علیه السلام

۲- هود / ۳

۴- النجم / ۳۱

۱- الحجرات / ۱۳

۳- آل عمران / ۱۹۵

۵- البقره / ۲۳۷

فرموده: الشَّرَفُ بِالْفَضْلِ وَالْأَدَبُ لَا بِالْأَصْلِ وَالتَّنَسُّبِ^(۱)
مصدق این معنی است و نیز فرموده:

إِنَّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأَمٍ وَ لَأَب
هَلْ تُرِيهِمْ خَلَقُوا مِنْ قُضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَا وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ^(۲)
و ایضاً می فرماید لا فضلَ إِلَّا لِأَهْلِ الْعِلْمِ إِنَّهُمْ عَلَى الْهُدَى
لِمَنْ اسْتَهْدَى أَدِلًّا^(۳) در این باب علامه حلی رحمه الله علیه در
اواخر کتاب صلاح نوشته است:

يَجِبُ تَرْجِيحُ الْفَاضِلِ عَلَى الْمَفْضُولِ عَقْلًا لَقِيحٍ تَقْدِيمِ
الْمَفْضُولِ عَلَى الْفَاضِلِ مِنَ الْحَكِيمِ الْخَبِيرِ وَ سَمْعًا^(۴) در سوره
یونس علیه السلام أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا
يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ^(۵) فضل و ادبی که

۱- بزرگی به فضل و ادب است نه به اصل و نصب

۲- ای کسی که فاخری به تبارت مردمان را همه مادری و پدری است

می پنداری که مردمان خلق شده اند از نقره یا آهن و مس و طلا

به راستی که باید فخر داشت به عقل و حیا و پاکدامنی و ادب

۳- نیست فضل و برتری مگر برای اهل علم زیرا آنانند هدایتگر برای کسی که
هدایت بجوید.

۴- عقل حکم می کند بر برتری دادن فاضل بر مفضول، که مقدم داشتن
مفضول بر فاضل قبیح است و غیر معقول.

۵- یونس / ۳۵: بگو آیا از این بتان شما کسی هست که به حق راه نماید؟ بگو
خدا که به حق راه می نماید آیا آنکه به حق راه می نماید به متابعت سزاوارتر
است یا آن که خود نیاز به هدایت دارد. شما را چه می شود؟ چگونه حکم
می کنید؟

مقتضی حالت این عصر است هر عاقل با بصیرت می داند که علوم و صنایع حاضره حالیه است که به واسطه آن ملل بی تربیت فرنگستان در صد سال به آن چنان درجه اوج و ترقی عروج نموده و کل مشرق زمین را محتاج به خود کرده اند.

فصل سیّم حریت شخصیه است، یعنی بدن هر کس آزاد است و احدی را قدرت نیست سیلی و مشت به کسی بزند یا دشنام و فحش بدهد. صورت این مسئله متعدد و کثیر است منجمله احدی را درون خانه کسی حق دخول و تجسس نیست و هیچ کس را به گناه دیگری عقوبت نمی توان کرد و کسی را با ظن مجرد نمی توان گرفت و حبس نمود و احدی را بدون حکم قانون جریمه و تنبیه و سیاست نمی توان کرد. این نیز [چون] قانون اسلام است چنانکه خداوند در سوره حجرات می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ تَدْمِينٌ^(۱)

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید اگر فاسقی به شما خبری بیاورد پس تفحص کامل در صدق و کذب آن بکنید مباد از راه عدم علم به حقیقت کار در حق قومی فعل مکروهی برسانید پس از آنچه کرده باشید نادم و پشیمان

می شوید. ایضاً در همان سوره ماثور است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا^(۱)

یعنی: ای آن کسانی که صاحب ایمان هستید اجتناب کنید از گمان بد در حق مردم به درستی که بعضی گمان بد گناه است و تجسس مکنید چیزی را که بر شما مخفی باشد. باز در سوره نور می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا^(۲) یعنی: ای آن کسانی که ایمان آورده اید داخل مشوید به خانه های غیر تا وقتی که انسیت^(۳) حاصل شود. باز در آیه بعد از این می فرماید: فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ [وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ] ازْجِعُوا فَازْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ^(۴)

پس اگر کسی را در خانه نیابید داخل نشوید تا وقتی که صاحب خانه اذن به شما بدهد هرگاه بگویند که باز گردید پس بی توقف باز گردید و اصرار در ملاقات نکنید که آن باز گردیدن برای شما پاکیزه تر است. ایضاً در سوره بقره می فرماید:

وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا^(۵) یعنی: نیکویی

۲- النور / ۲۷

۱- الحجرات / ۱۲.

۴- النور / ۲۸.

۳- همدلی

۵- بقره / ۱۸۵

نیست در آنکه در آئید به خانه‌ها از پشت بام‌ها

فصل چهارم - امنیت جانی است و این نیز از اصول اسلام است چنانکه خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ
النَّاسَ جَمِيعًا^(۱)

یعنی: اگر کسی، کسی را [بکشد] بی آنکه نفسی را کشته باشد و یا فساد کرده باشد مانند دزدی و زنا همچنان است که [او] همه مردمان را کشته است.

ایضاً در سوره تین و انعام و بنی اسرائیل فرموده: وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ^(۲) یعنی نکشید نفسی را که حرام کرد خدای کشتن او را مگر به حق. ایضاً در سوره بنی اسرائیل می‌فرماید: وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا^(۳) یعنی: مقرر کردیم مر وارث مقتول را^(۴) تسلط و قوت قصاص و باز در سوره بقره می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ^(۵) یعنی ای مؤمنان واجب شد بر شما قصاص نمودن در کشتن قاتلان. باز در همان سوره می‌فرماید: وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ^(۶) یعنی: زندگی و بقا برای شما در قصاص است ای

۱- المائدة / ۳۲

۲- الانعام / ۱۵۱

۳- الاسراء / ۳۳

۴- مقتول را

۵- البقره / ۱۷۸

۶- البقره / ۱۷۹

صاحبان عقل. ایضاً در سوره نساء آیه (۳۳): [الرِّجَالُ قَوَّموْنَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَإِلِّصَّوْهُنَّ فَتَتَّ حَفِظْتَ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالتَّى تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِى الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلَيَّا كَبِيراً^(۱)] و در سوره فرقان آیه (۶۸) [وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِى حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا^(۲)] در همان معنى.

فصل پنجم - در امنیت عرض و ناموس [خداوند] در
سوره نور مى فرمايد: الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ^(۳) يعنى: به مرد و زن زناكار بزنيده صد تازيانه. ايضاً در سوره (۲۴) آيه چهارم و ۶ در سوره فرقان: وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِى حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ^(۴) به علاوه آيات مذكوره حكم رجم در زناى محصنه از احكام استوار در امنيت عرض و ناموس است.

۱- نساء / ۳۳: براى همه، در آنچه پدر و مادر و خویشاوندان نزديك به ميراث گذارند، ميراث برانى قرار داده ايم و بهره هرکس را که با او برقرارى نهاده ايد بهر دازيد که خدا بر هر چيزى گواه است.

۲- فرقان / ۶۸: و آنان که با خداى يکنا خداى ديگرى نمى گيرند، و کسى را که خدا کشتنش را حرام کرده - مگر به حق نمى کشند و زنا نمى کنند و هر که اين کارها کند عقوبت گناهان خود را مى بيند.

۳- الفرقان / ۶۸

۴- النور / ۲.

فصل ششم - امنیت مال خدای تعالی در سوره مائده می‌فرماید: **وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا^(۱)** یعنی بپرید دست‌های دزد را خواه مرد باشد خواه زن. این آیات با هره در امنیت جان و عرض و مال، قانون و متین محکم است. پس معلوم شد که این قانون از اصول قوانین مذکوره فرانسه نیز مطابق است با احکام خدای و قانون اسلام. آنها این قوانین شریفه را رعایت کرده‌اند در مدت چهل سال سی‌ و نه نفوس به هشتاد و نه نفر رسیده، اما در مملکت ما از چندین سال‌ها به این طرف نفوس ایران را نشنیده‌ایم که زیاده بر هیجده و نه نفر برآورد کرده باشند.

فصل پنجم [هفتم] از فصول مذکوره (کود) مدافعه ظلم هرکس را واجب است هرکه به نظر بصیرت بنگرد اغلب خوبی‌ها و آسایش و آبادی و امنیت فرنگستان از وجود این قانون است و چون امر مزبور علت اصلی عدل و انصاف است این است که خدای تعالی در چندین محل قرآن مجید امر و ترغیب به آن می‌نماید من جمله در سوره آل عمران می‌فرماید: **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^(۲)** یعنی باید بعضی از شما باشد که آنها دعوت بکنند مردم را به

۲- آل عمران / ۱۰۴

۱- المائده / ۳۸

کارهای نیک و امر و ترغیب نمایند به امور پسندیده و منع نمایند از امور ناشایسته که باعث خرابی مملکت و عدم امنیت است و آنهایی که این کار را می‌کنند ایشانند رستگاران. ایضاً در سوره هود می‌فرماید: **وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا** ^(۱) یعنی میل نکنید به سوی آنان که ستم کرده‌اند. ایضاً در سوره آل عمران آیه (۱۰۹) می‌فرماید: **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ** ^(۲) و در سوره توبه آیه (۷۲) و آیه ۱۳۳: **[وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۷۲)]** **[يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۳۳)]** و در سوره حج آیه ۴۲: **[وَقَوْمٍ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمَ لُوطٍ (۴)]** و در سوره نحل آیه ۹۲: **[يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ وَلَا**

۱- هود / ۱۱۳

۲- شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید.

۳- توبه / ۷۲: خدا اهل ایمان را از مرد و زن وعده فرمود که در بهشت خلد ابدی که در زیر درختانش نهرها جاری است درآورد و در عمارات نیکی بهشت عدن منزل دهد و برتر و بزرگتر از هر نعمت مقام رضا و خشنودی خدا را به آنان کرامت فرماید و آن به حقیقت پیروزی بزرگ است.
توبه / ۱۳۳: سوره توبه ۱۲۹ آیه دارد به نظر می‌رسد نگارنده در شمارش آیه‌ها دچار اشتباه شده باشد.

۴- حج / ۴۲: و اگر کافران امت تو را تکذیب کردند افسرده‌خاطر مباش که پیش از اینان قوم نوح و عاد و ثمود نیز رسولان حق را تکذیب کردند.

تَكُونُوا كَالَّذِي نَفَضَتْ غَرْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَنَكُمْ
 دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ
 وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ^(۱) و در سوره
 لقمان آیه ۱۶: [يَبْنِيْ إِنَّهَا إِنْ تَكِ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ
 فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
 لَطِيفٌ خَبِيرٌ^(۲)] در این معنی احکام اکیده و آیات صریحه
 است از نتایج حسنه این قانون اختیار و آزادی زبان و قلم
 شایع شده هرکس از اعلی و ادنی هر چیزی که در خیر و
 صلاح و رفاه مملکت و ملت به خیالش برسد با کمال آزادی
 می نویسد و منتشر می کند. اگر خیال و تصورات او مقبول
 امت باشد تحسین و در صورت عکس، منع و تقبیح خواهند
 کرد. پس این قانون شریف نیز طبق قانون اسلام است و در
 این باب شیخ طوسی علیه الرحمه در کتاب نهایة الاحکام
 گفته است، الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ بِالْمُنْكَرِ قَرَضَانٌ مِنْ
 قَرَايِضِ الْإِسْلَامِ وَ هُمَا قَرَضَانٌ عَلَى الْأَعْيَانِ لَا يَسَعُ أَحَدًا

۱- نحل / ۹۲: و در مثل مانند زنی که رشته خود را پس از تابیدن محکم
 و اتابید نباشد که عهد و قسم های محکم خود را برای فریب یکدیگر و
 فسادکاری بکار برید تا اینکه قوم بر قوم دیگر تفوق یابد زیرا خدا شما بندگان
 را به این عهد و قسم ها می آزماید و در روز قیامت همه تقلب ها و اختلافات
 شما را بر شما آشکار خواهد ساخت.

۲- لقمان / ۱۶: [باز لقمان گفت:] ای فرزند عزیزم بدان که خداوند اعمال بد
 و نیک خلق را اگرچه مقدار خردلی باشد در میان سنگی یا طبقات آسمان ها یا
 زمین پنهان باشد همه را در محاسبه می آورد که خدا بر همه چیز دانا و آگاه
 است.

تَرَكْمُهَا أَوْ الْإِخْلَالُ بِهِمَا وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ
يَجْبَانِ بِالْقَلْبِ وَاللِّسَانِ وَالْيَدِ إِذَا تَمَكَّنَ الْمُكَلَّفُ مِنْ ذَلِكَ الْخ^(۱)

فصل ششم [هشتم] آزادی مطبته‌هاست . بعضی از احکام این آزادی داخل حکم علوم و معارف است اگر آن چیز چاپ شده متعلق به علوم و معارف باشد. پس در شرف آنها آیات و احادیث بسیار است که بعضی از آنها را خواهیم نوشت و برخی از احکام آزادی مزبور داخل امر به معروف و نهی از منکر است اگر چیز چاپ شده متعلق بر این‌ها باشد. پاره‌ای از احکام آن به حق مدافعه مظالم راجع است بالجمله مطبوعات، از قبیل کتب و رساله و روزنامه هرچه باشد. لاجرم به یکی از احکام مزبوره راجع می‌شود. پس آن راجع البته حکم مرجعش را دارد و اگر مطلب چاپ شده ضرری به دین و یا به اخلاق عامه و یا مخالفت به احکام کود دارد ازاله آن ضرر واجب است و در حدیث شریف (الضرر یزال) وارد است و این حدیث در نزد کافه اسلام اصلی از اصول فقه شده است. باید دانست که حریت مطابع در ممالک متحده امریکا و انگلیس و فرانسه و سویس و بلژیک و یونان به مرتبه کمال

۱- امر معروف و نهی از منکر دو فرض از فرائض اسلام و واجب عینی هستند هیچ احدی نباید آنها را ترک و یا اخلالی در آنها به وجود آورد. امر به معروف و نهی از منکر واجب است با قلب و زبان و دست هرگاه مکلف توانایی اجرای آن را داشته باشد.

است.

و امروز در شهر پاریس صد چاپ‌خانه و ششصد کتاب‌فروش است

فصل هفتم [نهم] آزادی مجامع است. هر فرقه و هر جماعت هر وقت اراده کنند در مجمعی مخصوصاً جمع شده در مسئله از مسائل علوم یا سیاست و افعال حکومت یا در امر معاش خود بدون موانع گفتگو و مباحثه می‌کنند و هر صنفی از اصناف اهالی را از قبیل اصیل‌زادگان و ارباب صنعت و اهل لشگر و زارعین مجمع‌های مخصوص است و همه مجمع‌ها اگرچه در افکار، طرق مختلفه دارد ولی در دوام و ترقی دولت همه به مقصد واحد متوجه است و عقد جماعات (ولی به مقصد واحد) در زمان پیغمبر (ص) مختار و آزاد بود چنان که اصحاب کرم هر روز در مسجد نبوی ص فرقه فرقه اجتماع کردند و از آن حضرت چندین مسائل خفیه استفسار^(۱) و استیضاح^(۲) نمودندی حضرت پیغمبر به منبر صعود فرموده و در مجمع عام به حل مشکلات و ایضاح^(۳) مسائل مبادرت فرمودندی وقتی که آن حضرت اسامه را به سرداری لشگر نصب فرمود و به جهاد مأمور کرد جماعتی از اصحاب پیغمبر اعتراض از جوانی اسامه به میان

۱- پرسیدن

۲- بازخواست

۳- روشن نمودن

آوردند و در اهلیت^(۱) وی شبهه نمودند با این که اسامه با لشکر از مدینه بیرون رفته بود. معهذا او را نگاه داشتند تا آن که پیغمبر از خانه سعادت بیرون آمده و به منبر صعود فرمودند. اهلیت اسامه را با آثار اثبات و اصحاب را قانع و ساکت کردند با وجودی که تن مبارکش خسته و ضعیف بود هیچ اظهار رنجش خاطر نفرمود.

فصل هشتم [دهم] اختیار و قبول ملت اساس همه تدابیر حکومت است و این کلمه از جوامع الکلم است و در نزد صاحبان عقل مرتبه صحتش حاجت تعریف نیست و در نقل و شرع اسلام نیز چنین است و آیه کریمه در آل عمران و لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ^(۲) یعنی اگر بودی تو درشتخوی و سختگوی هر آینه پراکنده شدندی اصحاب تو از گرداگرد تو و آیه شریفه و أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ^(۳) در این امر باب عظیم است و این باب از مقاصد استشاره است.

فصل نهم [یازدهم] از فصول مذکوره (کود) فرانسه

۱- شایستگی ۲- آل عمران / ۱۵۸

۳- الشوری / ۳۷: و آنانکه امر خدا را اطاعت و اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دهند و از آنچه روزی آنها کردیم به فقیران انفاق می کنند.

حق انتخاب و کلا است مرا هالی را در مقابل دیوان دولت و به این سبب اهالی را در بحث و تدفیع افعال حکومت مداخله عظیم هست و وکلای مزبوره که به اصطلاح فرانسه دپُت می گویند با شروط معلومه و معینه در کتاب قانون از جانب اهالی منتخب و در مجلس گُورازی سلاتیف یعنی مجلس قانون گذار مجتمع می شوند.

و این قاعده در شریعت مطهره اسلامی به باب مشورت راجع است و مشورت از قوانین اعظم اسلام است چنان که خدای تعالی در قرآن مجید به رسول خود امر می فرماید در سوره آل عمران: *وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ*^(۱) یعنی مشاورت کن در کارها با اصحاب خود و جناب پیغمبر با اکابر و مهاجر و انصار در باب اذان برای اخبار نماز جماعت شوری فرمودند. ایضاً آن حضرت در جنگ احد با این که رأی مبارکشان متحصن شدن در مدینه بود اما چون رأی جماعت و اصحاب مایل به خروج از مدینه شد پیغمبر خدا بعد از شوری رأی جماعت را بر رأی مبارک خود ترجیح دادند. ایضاً حدیث وارد است وقتی که حضرت رسول از مدینه به قصد حج و عمره به مکه تشریف می بردند در یکی از منازل با اصحاب خود مجلس مشورت منعقد فرمودند. و نیز از حضرت رسالت پناه مروی است بدبخت نشود بنده ای که به مشورت در امری شروع نماید و کلام معجز بیان حضرت ولایت مآب

علی علیه السلام لا صواب مع ترک المشوره موبد این قول
 است و همچنین در اثر مشهور المشاوره أصل فی الدین و سنة
 الله فی العالمین و هی حق علی عامة الخلیقة من الرسول الی
 اقل الخلق یعنی مشورت اصلی است از اصول دین و سنت
 خداوند است بر عالمان و آن حق است بر عامه خلق الله از
 رسول گرفته تا ادنی خلق. خلاصه حضرت رسول محض به
 جهت وضع سنت مشورت در میان امت در هر کار با اصحاب
 خود شور می فرمود.

فصل دهم [دوازدهم] تعیین مالیات و باج است بر حسب
 ثروت بلامتیاز و این امر نه به فرمان مجرد امپراطوری است و
 نه با میزان احتیاج هیئت دولت، بلکه از روی مداخل و
 منفعت سالیانه هرکس است و تعیین این کار به رضا و قبول
 دیوان و کلاست که در حقیقت قبول عامه است. فلذا بدهی
 که اهالی متحمل ادای آن شده است در سر وعده معینه به پای
 خود محصل به محل معین برده می دهند. زهی عدالت که
 هرکسی از روی تعیین فرض خود داند و به صفای دل دهد. و
 این امر از روی مساوات است نه از روی امتیاز به این معنی
 که هرکس از اعلی و ادنی مقدار معین از منافعش یا مداخلش
 باید به دولت بدهد و احدی مستثنا نیست و این قرار به
 شریعت اسلامیة مطابقت کلیه دارد چنان که در قرآن مجید و
 احادیث شریفه مقدار و زمان زکوة و صدقات معین و معلوم

است و فردی از این تکلیف معاف و مستثنا نیست و باید دانست که قاعده ایشان در این خصوص بر این است که اول مکنت و قدرت و استطاعت اهالی را مشخص و بدهی سالیانه آن را معین کرده و به مقام مطالبه و اخذ بر می آیند و این قاعده به عینها مطابق شرع اسلام است. زیرا که قرآن و احادیث ایمان را قبل از عمل تکلیف کرده و عمل را پس از ایمان. چنان که تکلیف اول به وجوبیت زکوة و صدقات ایمان آوردن است آنان که ایمان ندارند زکویشان عندالله مقبول نیست.

فصل یازدهم [سیزدهم] تحریر اصول دخل و خرج دولت و نشر آن است بدهی اهالی را قدر معینی لازم است. و این قدر معین در مقابل خرج دولت مقیاس و میزانی است ضرور اگر مخارج یک دولت محرز و معلوم نباشد تعیین مالیات بر وجه عدالت میسر نشود و مقدار احتیاج اداره‌ها چون اداره لشکر و اداره داخله و خارجه و غیره بدین طریق معلوم می‌شود. یعنی قبل از وقت مشخص می‌کنند که برای وزارت داخله فلان مقدار و برای وزارت خارجه از فلان مقدار مخارج خواهد شد و به این طرز خلاصی از اسراف در خرج دولت و رفع تعدی نسبت به رعایا آسان می‌گردد از آن طرف هم چون اهالی می‌دانند که مخارج لازم دولت فلان مقدار است از ادای آن تعلل نمی‌ورزند. پس این قاعده نیز در

شریعت مطهره اسلامی به باب تبلیغ و تفهیم مطابق است. حدیث **فَلْيُبَلِّغُ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَايِبَ** یعنی شما که در این مجلس حاضرید تبلیغ بکنید غائبان را در این باب برهان واضح است و حضرت رسالت پناه در اکثر خطبه‌ها در پی **هَلْ بَلَّغْتُ** فرمودی اگر مستمعان نعم گفتندی و خواهش توضیح و تکرار نمودندی حضرت به جمله‌ای آخر گذشتندی. باید دانست احسن سیاست آن است که بر اخلاق حسنه مؤسس باشد (این کلام ارسطاطالیس است) و به عقل و نقل مطابق. پس واجب است که تدابیر دولت به تغییر اخلاق تبعه و اهالی‌اش سبب نباشد بلکه به تهذیب و تزئین اخلاق آنها سبب عمده شود. بنابراین اکثر تدابیر سیاسیة فرنگستان در تهذیب و تحسین اخلاق اهالی مداخلیت عظیم دارد و قضیه تعیین مالیات و تحریر خرج که شرح داده شد از این تدابیر است. امروز در ممالک اسلام چون محصلان مالیات بر سر اهالی گذاشته شوند و اهالی که از مخارج دولت خبر ندارند چنین پندارند که بدهی آنها به هوی و هوس حکمداران صرف می‌شود. لهذا اکثر آنها برای تخلیص گریبان از تکالیف دولت به خیال پیدا کردن راه‌های حيله و دروغ، آنها را کشف کنند و آنها را به مجلس برند و چوب زنند. لاجرم اهالی را خوف و مسکنّت و هتک ناموس و فرار عارض گردد. و اخلاق شجاعت و بسالت^(۱) و علو همت آنها مرده شود. در

دولت انگلیس سابقاً برای تعیین مالیات نسبت به واردات اهالی قاعدهٔ تفحص گذاشته بودند امروزه آن قاعده را ترک کرده و به قول خود هرکس اعتماد می‌کنند یعنی از مداخله^(۱)‌هایی که صلاح دولت و رعیت است و موافق قانون در بدو کار معین کرده‌اند از خود شخص می‌پرسند و او هرچه بگوید باور می‌نمایند و مالیات را از روی مداخل او از قرار گفتهٔ خودش اخذ می‌کنند ملاحظه باید کرد که به اهالی به چه درجه اعتماد کرده‌اند و به جهت همین اعتماد چقدر اخلاق آنها را به اصلاح آورده و به صدق و راستی معتاد شده‌اند و از وقتی که این تدبیر را به کار برده‌اند مالیات دولت روز به روز زیاد شده و به تجربه دیده‌اند که سابقاً اگر از صد نفر ده نفر بدهی خود را ناراست گفتی امروز پنج نفر هم نمی‌رسد.

فصل دوازدهم [چهاردهم] - هر وزیر و امیر و حاکم در مأموریت خود مسئول بودن است. سبب مسئول بودن این است که هر مأمور مکلف است به متابعت احکام قانون چون سایر مکلفان و این قاعده نیز از شریعت اسلام است زیرا که در قرآن عظیم هر تکلیفی به صیغهٔ جمع آمده اطیعوا و اتوا فرموده و خطاب عام کرده حتی ذات پیغمبر را از تکلیف استثنا ننموده مسلمانان که در مکلف بودن انبیا و اولیاء معتقدند هیچ حاکم و امیری را از تکلیف آزاد نمی‌توانند

۱- درآمدها.

شمرده. حدیث (کُلُّکُمْ رَاعٍ وَکُلُّکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِیَّتِهِ) مؤید این قول است.

فصل سیزدهم [پانزدهم] - تفریق قدرت تشریع از قدرت تنفیذ، مقصود از این سخن آن است که وضع و تنظیم قوانین در اختیار مجلسی باشد و تنفیذ و اجرای آن در دست مجلس دیگر چنان که آن مجلس هیچ گونه بیم و امیدی از این مجلس نداشته باشد تا که هر یک از دو مجلس ودیعه خود را به استقلال و آزادی تمام حفظ توانند کرد. اگر در فواید و محسنات تفریق دو اختیار مذکور صد جلد کتاب نوشته شود، باز هزار یک فوائد آن را شرح نمی توان داد. الان هرگونه ترقی و قدرت و ثروت و معموریت و تجارت در دول فرنگستان دیده می شود از نتایج جدایی دو اختیار است و هر قسم بی نظمی و بی پولی و عدم قدرت و نکث در صنایع و تجارت و زراعت در مشرق زمین مشاهده می شود از اختلاط و امتزاج دو اختیار است. عقلای روی زمین از روی تحقیق و تجربه گفته اند در دولتی که دو اختیار مخلوط هم استعمال می شود ممکن نیست که باعث ضعف و خرابی و بلکه بالمال سبب انقراض آن دولت نگردد. بالجمله این قانون مستحسنه فرنگستان نیز از قوانین قدیمه اسلامیه است چنان که در ایام پیشین مجتهد و مفتی در وظیفه خود و والیان و

محتسبان در وظیفه اجرا و تنفیذ مستقل بودند اگرچه تنظیم قانون و تنفیذش در حقیقت به مرجع واحد یعنی به وحدت امامت مربوط است ولی در ترتیب تفریق واجب است چنان که شیخ علی کرکی در شرح شرایع الاسلام در کتاب امر به معروف می‌گوید: وَ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحُكْمِ وَ الْفَتْوَى بِأَنَّ الْحُكْمَ إِنشاء قَوْل فِي حُكْمٍ شَرعى يَتَعَلَقُ بِوَاقِعَةٍ شَخْصِيَةٍ كَالْحُكْمِ عَلَى عَمْرٍ وَ ثَبُوتُ دَيْنٍ زَيْدٍ فِي ذِمَّتِهِ وَ أَمَّا الْفَتْوَى فَإِنَّهَا بَيَانُ حُكْمٍ شَرعى لَا يَتَعَلَقُ بِمَادَّةٍ شَخْصِيَةٍ وَإِنَّمَا هُوَ عَلَى وَجْهِ كُلِّى فَهُوَ فِي الْحَقِيقَةِ بَيَانُ مُسْئَلَةٍ شَرْعِيَّةٍ.^(۱)

فصل چهاردهم [شانزدهم] - عدم عزل اعضا از مجالس حکم یعنی محکمه‌های عدالت و از دیوانخانه سنا بودن ابدی است. فواید این قانون بسیار است. اول این که در اعمال مشکله تجربه و بصیرت حاصل کرده‌اند. دوم این که در کار دولت و ملت بی غرض هستند. سیم چون به دوام و بقای در منصب مطمئن هستند محتاج نمی‌شوند که از کسی حمایت بخواهند و در مقابل آن به قبول توسط مجبور شوند این قانون نیز به شریعت اسلامی مطابقت دارد زیرا که عزل مأموری از

۱- فرق هست بین حکم و فتوی به این جهت که حکم عبارت از ایجاد و ابراز قولی و حکمی شرعی که مربوط به امری شخصی باشد مانند حکم بر این که زید را دینی بر عمر است که بر ذمه اوست اما فتوی عبارت از بیان حکم شرعی که مربوط به امری شخصی نیست بلکه به طور کلی صادر می‌شود و در حقیقت بیان مسئله شرعی است.

منصبش بی جنبه^(۱) و بی ثبوت تهمت، ظلم و جفا است و ظلم و جفا در شریعت اسلام ممنوع است.

فصل پانزدهم [هفدهم] - حضور ژوری‌ها^(۲) در
حین تحقیق جنایات. ژوری اشخاصی هستند که اهالی مملکت آنها را از مردمان آبرومند و درستکار و امین انتخاب می‌کنند و اقل آنها دوازده نفر می‌باشند و همیشه هنگام تحقیق جنایات و جرایم کبیره در محکمه‌های عدالت حضور به هم می‌رسانند و چون قاضی، اجتماع و گفتگوی مدعی و مدعی‌علیه را استماع نماید پس آن کار را محول به تمیز و تحقیق ژوری‌ها می‌کند و از ایشان رأی می‌طلبد (ژوری‌ها) به محل مخصوص و خلوت داخل شده بعد از مذاکره و تحقیقات فیما بین خود به هرچه اتفاق و یا اکثریت آراء قرار گرفت آن را به قاضی افاده می‌کنند و رژی‌ها را حق حکم و یا تعیین مقدار عقوبت نیست. بلکه فقط نظر ایشان به بیان رأی و اشارت مقصور است.

فلهذا این قاعده نیز در شریعت اسلام به باب مشورت راجع است بنابراین آنها را مشاور نامیدن سزاوار است. در این باب شیخ طوسی در کتاب قضا گفته است، ینبغی ان یکون فی مجلس الحکم للقاضی اهل العلم من اهل الحق و

۱- گناه

۲- هیات منصفه. در متن همه جا اشتباهی رژی آمده است.

عنده المخالف من اهل كل مذهب واحد ان حدثت حادثة
يفتقر فيها الى ان يسئلهم عنها ليتذكر جوابه فيها و دليلهم عليها
فان كانوا بالقرب ذاكرهم وان كانوا بالبعد استدعاهم و اذا حكم
بحكم فان وافق الحق لم يكن لاحد ان يعارضه و ان اخطا و
جب عليهم ان ينهوا عليه^(١) الخ... لفظ ژوری در اصطلاح
فرانسه به معنی آن کسی است که سوگند خورده باشد. چون
ژوری‌ها حین انتخاب شدن بر وفق قانون معینه سوگند یاد
می‌کنند که همیشه بر جاده حق و راستی بوده و بدون هرگونه
منظور و غرض آرای خود را بر مسموعات^(٢) و
مخاصمات^(٣) در حق هرکس بوده باشد بر وجه راستی و
خلوص بیان نمایند. پس ژوری در وظیفه خود مشاور
سوگند خوار است. مخفی نماند که قاعده انتخاب ژوری در
محکمه‌های مخصوص فرنگستان به جهت مؤید بودن منصب
قضا واجب آمده است. چون منصب قضاوت در قانون‌شان
ابدی است و قضاوت متمکنه و مؤیده را مجال استیلا
باقیست. پس برای سدّ مجال تعیین ژوری و مشاور واجب

۱- لازم است که در مجلس قضاوت و حکم قاضی عالمانی از اهل حق و
گروه مخالف و از کلیه مذاهب باشند که اگر حادثه‌ای واقع شده که نیاز به سؤال
از آنها بود جواب دهند و دلایل خود را بیان کنند اینان اگر در مجلسی باشند
باید با آنها مذاکره و مشورت کرد و اگر نیستند باید آنها را فراخواند و چون
حکمی صادر کردند اگر موافق بود که نیاز به مخالفت با آنان نیست و اگر
مخالف بود باید آنها را به طریق حق راستین متوجه سازند.

۲- شنیده شده‌ها
۳- دشمنی ورزیدن

افتاده. ژوری‌هایی که در یک امر اظهار رأی کردند در امر دیگر، ژوری‌های علیحده انتخاب می‌کنند.

فصل شانزدهم [هجدهم] - تشهیر^(۱) و اعلان
مفاوضات^(۲) سیاسیه و حوادث جنائیه و مخاطبات رسمیه و کلای ملت در روزنامه‌جات دولتی. این قانون مطابقت تامه دارد به قاعده تبلیغ شرعی که در فصل یازدهم [هشتم] شرح کردیم و به وجوه مذکوره راجع است به قانون حریت مطابع.^(۳)

فصل هفدهم [نوزدهم] - عدم شکنجه و تعذیب، مادام که
هر گناهی را در کتاب قانون جزای مخصوص [خصوصی] و معین موجود است، تعذیب جانی برای اقرار گرفتن و به بهانه‌های دیگر غیرممکن است و جزای هر تقصیر قبل از وقت در کتاب قانون معین است و احدی از حکام و امراء و سران لشگر جرأت و قدرت ندارند که نسبت به زیردستان خود بدون حکم قانون به هوای نفس به جهت اقرار گرفتن یا سبب‌های دیگر که محض ظن باشد چوبی بزنند یا شکنجه بکنند یا فحش بگویند حتی در قانون ایشان چوب و تازیانه زدن ممنوع است و در لسان ایشان فحش و دشنام نیست و

۱- گفتگوها

۲- انتشار

۳- چاپخانه‌ها، مطبوعات

این قسم تنبیهات را که خلاف شأن انسانیت است در حق اسب و استر و سایر حیوانات بارکشی هم روا نمی‌دانند. این قانون شریف نیز طبق قانون اسلام است چنان که خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِيهِ الْأَمْثَلُهَا^(۱) ایضاً در سوره نحل فرموده: وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ^(۲) ایضاً در سوره آل عمران آیه (۳۴): ذُرِّيَّةَ بَغْضَآءٍ مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^(۳) و در سوره زمر آیه (۷۰): وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ^(۴) بالجملة نکته شریعت اسلامی را که در باب سیاست امروز اهل اسلام ترک و فراموش و اهل فرنگستان اخذ و تدارک کرده‌اند واجب آمده که در این جا به سمت تحریر در آورم. در شرع پیغمبر (ص) اصلی است از اصول که قضات و حکام مهم‌ا ممکن [حتی المقدور] در حدود کنند.

یعنی در تخفیف جزای جانی سعی نمایند جماعت متمدنه که از اهل شهوت و غفلت مرکب هستند لاجرم افرادش از ارتکاب جرم و جنایت و استحقاق حدود خالی نمی‌باشد. اگر حکام طریق تجسس و شکنجه را پیش بگیرند بسی

۱- هرکس بدی کند پاداش وی جز بدی نیست

۲- النحل / ۱۲۶: عقوبت کنید مانند عقوبتی که دیده‌اید.

۳- آل عمران / ۳۴: فرزندان هستند برخی از نسل برخی دیگر و خدا به احوال شما شنوا و داناست.

۴- زمر / ۷۰: و هرکس به پاداش عملش تمام برسد و خدا از هرکس به افعال نیک و بد خلق آگاه‌تر است.

جان‌ها را باید اعدام و بسی پرده‌های ناموس را باید هتک کنند. با این که طبیعت اصول اجتماع در این عالم (مدنیت) حفظ جان‌ها و ستر و حرمت ناموس‌ها را بر اعدام و هتک ترجیح می‌دهند و به قدر امکان از عیب‌ها اغماض نمایند و این ترجیح و اغماض به جز ترک تجسس و شکنجه میسر نمی‌تواند شد و در این نکته از جناب پیغمبر (ص) (حدیث) وارد شده اَذْرُوا الْحُدُودَ مَا اسْتَطَعْتُمْ یعنی تخفیف بدهید در اجرای حدود هر چه ممکن باشد. در فرنگستان به جهت تکمیل این قانون سلاطین را حق عفو و بخشش هست. مثلاً هیچ پادشاهی قادر نیست در حق ادنی‌ترین ناس حکم زدن یک چوپ و تازیانه بدهد. اما هر پادشاه حق این را دارد مقصری که دیوان عدالت حکم بر قتلش کرده باشد پادشاه قتل را تبدیل به حبس مؤبد^۱ بکند، در صورتی که اولیای مقتول راضی بشوند ملتفت باید شد که این معنی به چه درجه باعث محبت و اخلاص قلبی اهالی نسبت به پادشاه می‌باشد. در حقیقت سلاطین را منبع عفو و رحمت قرار داده‌اند. عجب‌تر این است که این قضیه در مشرق زمین به تمامه برعکس است. بین تفاوت کار از کجا است تا به کجا.

فصل هیجدهم [بیستم] حریت صنایع و کسب - مقاله
شرعیه در این نوع حریت همان آثار است که در حریت مطلق وارد شده. باید دانست که در فرنگستان باعث عمده و

اعظم در ترقی صنایع و کسب، آزادگی آن‌هاست چنان که هرکس به هرگونه کسب، آزادگی به هر قسم صنعتی که بخواهد اقدام کند مانع و ملامتی از کسی نخواهد دید. مع‌هذا آن نیز در تحت قانون است به این معنی کسی که صنعتی و عملی اختراع کرد امتیاز آن را چه از دولت متبوعه خود چه در سایر دول متمدنه تا مدت معینه با شروط قانونیه برای خود تحصیل کرده از منافع آن بهره‌مند می‌شود و این باعث می‌گردد که هرکس در اختراعات جدیده صرف انکار کنند و به این وسیله حرف و صنایع ترقی و انتشار می‌یابد.

فصل نوزدهم [بیست و یکم] - از فصول مذکوره حقوق عامه بنایی مکتب‌خانه‌ها و معلم‌خانه‌ها برای تربیت اطفال فقرا. چون تعلم علوم و معارف در فرنگستان مطلقاً از الزم امور و اقدم وظایف است. لهذا تعلیم اطفال فقرا و مساکین حتی نایبانیان را از حقوق عامه شمرده‌اند. بنابراین بعضی آثار شرعیه از آیات قرآن و احادیث نبوی (ص) در شرف علم در این جا مناسب افتاد.

من جمله خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: **يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ** ^(۱) یعنی خداوند اهل علم و دانش را درجات عالیّه وعده فرموده. **اَيْضاً** در سوره زمر می‌فرماید: **هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ**

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ^(۱) تقدیم عالمان و تأخیر جاهلان را اشاره فرموده و ایضاً در سوره بقره آیه (۲۷۲): [لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ^(۲)] و ایضاً در سوره طه آیه (۱۱۳): [وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا^(۳)] و در سوره علق آیه (۳ و ۴): [الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ^(۴)] و در سوره عنكبوت آیه (۴۲): [إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^(۵)] و در سوره نحل آیه (۴۵): [أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِيلِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ^(۶)] و بنی اسرائیل آیه

۱- الزمر / ۹: آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند برابرند.

۲- بقره / ۲۷۲: ای رسول بر توست دعوت مردم و نه هدایت آنان ولیکن خدا هرکه را خواهد هدایت کند و شما هر اتفاق و احسان کنید درباره خویش کرده اید و نیابت اتفاق کنید جز در راه رضای خدا و هر نیکی کنید از خدا پاداش تمام به شما می رسد و هرگز به شما ستم نخواهد رسید.

۳- طه / ۱۱۳: و ما اینگونه قرآن را با فصاحت عربی بر تو فرستادیم و در آن وعده ها و احوال قیامت را تذکر داده ایم باشد که مردم پرهیزکار شوند یا به پندی از نو یادآوری شوند.

۴- علق / ۳ و ۴: بخوان قرآن را و بدان که پروردگار تو کریم ترین کریمان عالم است آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

۵- عنكبوت / ۴۲: خدا هر آنچه به غیر او بخوانید «پرستش کنید» آگاه است و بر انتقام اهل شرک و ربا مقتدر و داناست.

۶- نحل / ۴۵: آنان که بر کردار زشت خود مکرها اندیشند آیا از این بلا ایمنند که خدا همه را بر زمین فرو برد یا از جایی که پی نبرند عذابی فرستد.

(۱۳) (۱) در شرف فضیلت علم تأکیدات بلیغه فرموده و حدیث معاذ بن جبل در فضیلت علم و تعلم در کتاب جامع بن عبدالبراً مسطور است که جناب رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرموده: تعلموا العلم فان تعلمه الله حسنة و طلبه عبادة و مذاکرته تسبیح و البحث عنه جهاد و تعلیمه لمن لا یعلمه صدقة و بدله لاهله قرابة لانه معالم الحلال و الحرام و منار سبل اهل الجنة و هو الانیس فی الوحشة و الصاحب فی الغربة و المحدث فی الخلق و الدلیل علی السراء و الضراء و السلاح علی الاعداء و الزین عند الاخلاء یرفع الله به اقواماً فیجعلهم فی الخیر قادة و ائمة تقتص آثارهم و یقتدی بفعالهم ترمق اعمالهم و تقبس آثارهم و ترغب لملائکة فی خلقتهم و باجناحتها تمسحهم یرفع الله لهم کل رطب و یابس و حیثان البحر و هوامه و سیاح البر و انعامه لان العلم حیوة القلوب من الجهل و مصابیح الابصار من العمی یرفع الله العبد بالعلم منازل الاخیار و الدرجات العلی فی الدنیا و الاخرة التفکر فیه یعدل الصیام و مدارسته تعدل الصیام به توصل الراحام و به یعرف الحلال و الحرام و هو امام لعقل و العقل تابعه و یلهمه الصعداء و یحرمه الاشقیاء (۲) و قال ایضاً لا یقبض العلم انتزاعاً من

۱- بنی اسرائیل / ۱۳: و ما مقدرات و نتیجة اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم که ملازم و قرین همیشگی او باشد و روز قیامت کتابی که نامه اعمال اوست بر او بیرون آریم در حالیکه آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آن را یک مرتبه ملاحظه کند.

۲- دانش بیاموزید که آموختن دانش از اعمال نیک است و طلب آن، عبادت

النَّاسُ وَ لَكِنَّهُ يَقْبِضُ الْعِلْمَاءَ يَعْنِي عِلْمَ قَبْضٍ نَمِي شُود وَ
 نَمِي مِيرَد لَكِنْ عِلْمَاءَ قَبْضٍ مِي شُونَد (وَ قَالَ اَيْضاً): اَطْلُبُوا الْعِلْمَ
 مِّنَ الْمَهْدِ اِلَى اللَّحْدِ^(۱) وَ مَضْمُونِ كَلَامِ مُعْجَزِ نِظَامِ جَنَابِ
 وَ لَا يَتِ مَابَ عَلٰى عَلَيْهِ السَّلَامِ الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْاَبْدَانِ وَ عِلْمُ
 الْاَدْيَانِ وَ الْعَقْلُ عَقْلَانِ عَقْلُ الْمَعَاشِ وَ عَقْلُ الْمَعَادِ^(۲) مُلْتَفَتِ
 بَايَدِ شُدْ كِه عِلْمِ اَبْدَانِ رَا بَرِ عِلْمِ اَدْيَانِ مُقَدِّمِ دَاشْتِه، اَكْرَجِه دَر
 اِيْرَانِ مَدَارِسِ بَسِيَارِ اسْتِ وَ تَحْصِيْلِ عِلْمِ مِي كُنَنْدِ اَمَّا اَزْ بَرَايِ
 مَعَادِ نِه اَزْ بَرَايِ مَعَاشِ. بَا اَيْنِ كِه پِيْغَمْبِر(ص) فَرْمُودِه مِّنْ لَا

است و سخن از آن تسبیح خداوند است و بحث در آن جهاد و آموزش آن به
 کسی که نمی داند صدقه است و بذل آن بر اهل دانش موجب نزدیکی به
 خداست زیرا دانش راهنمای حلال و حرام راه بهشت است. دانش همدم
 انسان به هنگام ترس و مصاحب او در غربت است راهنمای خوشبختی و
 سلاح آدمی در مقابله با دشمن و افتخار وی باعث سربلندی و پیشوا در
 خیرات و خوبی هاست آثار این پیشوایان در دانش همواره نقل می شود و
 کردارشان الگو، اعمالشان را می نگرند و آثارشان را اقتباس می نمایند.
 فرشتگان راغب اند که با آنان دوستی برقرار سازند برایشان تمام موجودات ریز
 و درشت دریا و درندگان و چاربايان زمین. زیرا دانش زندگی بخش دلها از
 جهل و نادانی و نوربخش چشمان از کوری و نایبایی است. بندگان توسط
 دانش به جایگاه برگزیدگان و مراتب عالی در دنیا و آخرت نائل می شوند تفکر
 و اندیشه در آن برابر روزه داشتن است به وسیله دانش صله ارحام صورت
 می بندد و حلال و حرام بازشناخته می شود. دانش پیشوای عقل و عقل پیرو آن
 است دانش به سعادت مندان الهام می شود و اشقیاء از آن محروم می مانند.

۱- زگهواره تا گور دانش بجوی

۲- علم بر دو گونه علم تن و علم دین. عقل نیز بر دو قسم است عقل معاش
 و عقل معاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معاش له معاد له^(۱) و آن قسم تحصیل در جنب تحصیل علوم
صنایع و معاش اهل فرنگستان مثل چراغ است در مقابل
آفتاب و مانند قطره است در جنب دریا از اشعه علوم
فرنگی‌ها ذره‌ای به ایران تاییده، صنعت طبابت و آبله کوبی و
تلفراف [تلگراف] و عکس تصویر ایجاد شده که منافع و
محسناتش مستغنی از بیان است.

۱- کسی که معاش ندارد معاد ندارد.

خاتمه مشتمل است بر دو بیان

بیان اول خلاصه را باید شناخت که مدعا و نتیجه همان است و اصول سیاست فرنگستان داخل در اوست و آن این است که در دنیا فردی از آفریدگان از شاه و گدا و رعیت و لشگری هیچ کس حق حکم ندارد؛ یعنی حاکم نیست، بلکه محکوم و مکلف است آنان را که حاکم می نامند بر سبیل مجازات نه حقیقت. اما آن که حاکم کیست، یعنی مبدأ حکم در کیست شریعت اسلام و نظریات علماء اروپا در این باب متفق است که حاکم حضرت یزدان است اَلَيْسَ اللهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ^(۱) مصدق این معنی است. هر اصل و قاعده ای که حضرت یزدان به طبایع و عقول ما تودیع و به وسایط انبیاء تسلیم کرده ظهور آن سعادت ماست چون که حکم یزدان است. (حدیث): اَلْسِنَةُ الْخَلْقِ اَقْلَامُ الْحَقِّ وَكُلُّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَبِالْعَكْسِ^(۲) به این نکته اشارت عظیم (و

۱- آیا خداوند حاکم ترین حاکمان نیست.

۲- هرآنچه عقل بدان حکم کند، شرع نیز بدان حکم کند.

حدیث): ما رَأَهُ الْمُؤْمِنُونَ حَسَنًا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ حَسَنٌ^(۱) در این بحث ایضاح جمیل دارد. بیان ثانی از مضمون رساله ظاهر شد که آن فصول مذکوره اگرچه حقوق عامه فرانسه نام دارد ولی در معنی حقوق عامه مسلمانان بر کل جماعت متعده است و چون جمیع آنها با احکام و آیات قرآنیة مؤید آمده پس احکام الهی است و واجب است که آنها را به عمل آوریم و به احکام الهی امتثال کنیم تا به سعادت مضمون آیه شریفه: وَهَذَا كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَكُمْ تَرْحَمُونَ^(۲) نائل آئیم و سخط آیات شریفه: وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^(۳) رستگار و ایمن شویم. (علاوه بر خاتمه کتاب) بعضی از جزئیات از قوانین مدنیت آیات در فرانسه و در سایر ممالک فرنگستان هست که خدای تعالی از راه کمال رأفت و رحمت ما را از شعار و تنبیه آنها نیز محروم و بی خبر نگذاشته، منجمله اسباب احیای نفوس است که در فرنگستان به چندین وسایل مختلفه فراهم آورده اند از قبیل بنای

۱- آنچه از نظر مؤمنان نیکوست در نزد خداوند نیز نیک است.

۲- الانعام / ۱۵۵: این کتابی است مبارک که نازل فرمودیم پس از آن پیروی کنید و پرهیزکار باشید باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

۳- المائدة / ۴۴-۴۷: و هرکس به خلاف آنچه خدا فرموده حکم کند، کافر است.

و هرکس به خلاف آنچه خدا فرموده حکم کند، ظالم است.

و هرکس به خلاف آنچه خدا فرموده حکم کند، فاسق است.

مریضخانه و ترغیب شناوران برای تخلیص غرق شدگان و چندین مجالس دیگر که ذکر آنها موجب اطناب^(۱) است. در این باب خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا^(۲) ایضاً تنظیم و پاکی و زینت راه‌ها و شهرها و دهات است که به آیه شریفه کُف: إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^(۳) مطبق است و حدیث جامع: الصَّغِيرَ طَهَّرُوا أَفْنَيْتَكُمْ^(۴) اشاره بدین معنی است. ایضاً سوره اعراف آیه (۷۲):^(۵) دیگر صحت و درستی اوزان و مقیاس و مسکوکات است که خدای تعالی در چندین محل قرآن به تأکیدات بلیغه ما را تنبیه فرموده. منجمله در سوره انعام آیه (۱۵۳) و اعراف (۸۳) و بنی اسرائیل (۷۳) و شعرا ۱۸۱ تا ۱۸۳ و سوره مطفیین و سوره هود ۸۵ و ۸۶^(۶).

۱- برگویی

۲- المانده / ۳۲: هرکس آنرا زنده کند، گویی که تمام خلق را زنده کرده است.

۳- الکُف / ۷: ما آنچه در زمین است را برای امتحان و آزمایش آنان آفریدیم که کدامیک بهترین اعمال را انجام دهند.

۴- حیاط خانه‌هایشان را پاکیزه کنید.

۵- اعراف / ۷۲: هود و پیروانش را به رحمت خود از عذاب رهانیدیم و آنان که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند را هلاک گردانیدیم.

۶- انعام / ۱۵۳: و این است راه راست پیروی آن کنید و از راه‌های دیگر که موجب تفرقه و پریشانی شماست جز از راه خدا متابعت نکنید این است سفارش خدا به شما باشد که رستگار شوید.

اعراف / ۸۳: ما هم او و هم اهل بیئتش همه را نجات دادیم مگر زن او را که آن زن از بازماندگان در عذاب بود.

بنی اسرائیل / ۷۳: نزدیک بود که تورا (ای رسول ما) فریب داده و از آنچه به تو

دیگر به کار انداختن معادن است خاصه معادن آهن که موجب آیه شریفه وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ^(۱) ارشاد به این عمل نافع فرموده. دیگر ثبت اسناد و قبالهجات و شرط نامجات در دیوان مخصوص آیه ۲۸۲ در سوره بقره يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَانَيْتُمُ الْخ... در این باب دلیل کافی است. دیگر اعتنا و دقت در تهیه و ترتیب امور عسگر است از قبیل توافق اسلحه‌ای به اسلحه دشمن و مهیا

و حی کردیم غافل شوی و چیز دیگر بر ما فرابندی تا مشرکان تو را دوست خود گیرند.

شعرا / ۱۸۱-۱۸۳: ای مردم آنچه می‌فروشید سنگ تمام بدهید و از کم‌فروشی و گران‌فروشی کناره بگیرید و اجناس را با میزان صحیح بسنجید و آنچه به مردم می‌فروشید از وزن و پیمانه کم نگذارید و در زمین به ظلم و فسادکاری بر نخیزید و از خدایی که شما و همه طبایع پیشینیان را آفریده بترسید و خلاف امر او نکنید.

سوره مطففین: وای به حال کم‌فروشان آنان که چون به کیل و وزن چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم می‌دهند و...

هود / ۸۵ و ۸۶: ای قوم در سنجش وزن و کیل اجناس خود عدالت کنید و به مردم کم و گران‌فروشید و در زمین به خیانت و فساد برنخیزید. ۸۶: و بدانید آنچه خدا بر شما باقی می‌گذارد و برکت بخشد بهتر است از آن زیادتی که به خیانت و کم‌فروشی به دست می‌آورید اگر واقعاً به خدا ایمان دارید من نگران شما از "عذاب خدا" نیستم.

۱- الحديد / ۲۵: همانا ما فرستادیم پیامبران را با ادله و معجزات و بر ایشان کتاب و میزان عدل تا مردم به راستی و عدالت گرایند و آهن را که در آن هم سختی و کارزار و هم منافع بسیار بر مردمان است آفریدیم تا معلوم شود که خدا رسولش را با ایمان قلبی یاری خواهد کرد که خدا مقتدر و بی‌نیاز است.

بودن آذوقه و ثبات ورزیدن افراد لشکر در جنگ و صاحب علم و اطلاع بودن سران سپاه و بعد از تسلیم شدن دشمن به مهربانی با ایشان رفتار کردن در سوره ۴۷ آیه ۵^(۱) و در سوره ۱۶ آیه ۴ و در سوره ۳ آیه ۲۰۰ و در سوره ۴۷ آیه ۸.

یک کلمه در باب جمیع فقرات مذکوره در قرآن احکام و آیات صریحه وارد است که اگر خداوند توفیق عنایت فرماید رساله جداگانه در این باب خواهم نوشت. از سهوهای اهل مشرق زمین که به آن جهت از عالم ترقی دورتر مانده‌اند یکی هم این است که می‌گویند دنیا به جهت دیگران است و آخرت برای ما و حال آن که در اخبار وارد است: نعم المال الصالح للولد الصالح للعبد الصالح لان المال ينال الثواب الصدقات و اعانه المحتاج و اغائه الملهوف و قضاء حوائج الاخوان التي قال فيه الصادق من طاف بالبيت اسبوعاً كتب الله له ستة آلاف حسنة و محی عنه ستة الاف سيئة و رفع له ستة الاف درجة و قضاء حاجة المؤمن افضل من طواف و طواف و طواف حتى عدّ عشر^(۲). و در دیوان منسوب به حضرت امیر آمده: رب

۱- محمد / ۵: و در بهشتی که قبلت به منزل و مقامشان همه را شناسا کرده وارد کند.

۲- بهترین مال صالح و فرزند صالح از آن عبد صالح است زیرا با مال: ثواب صدقات و کمک به محتاج و همدلی با غمدیدگان و رفع نیاز برادر دینی خود نائل آمده که اما صادق در آن باب می‌فرماید: هر آن کس که خانه خدا را طواف کند یک هفته خداوند شش هزار نیکی برای او می‌نویسد و شش هزار بدی او را محو می‌کند اما برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از طواف، طواف، طواف و

فتی دنیاه موفوره / لیس له من بعدها اخره / و آخر دنیاه مذمومه / یتبعها اخره فاخرة / و اخر فاز بکلتیهما / قد جمع الدنیا مع الاخرة / و اخر یحرم کلتیهما / لیس له دنیا و لا الاخرة^(۱) و خدایتعالی در قرآن مجید می فرماید: وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ اَعْمٰی فَهُوَ فِی الْاٰخِرَةِ اَعْمٰی وَاَضَلُّ سَبِیْلًا^(۲) یعنی هر کس دیده بصیرتش در این دنیا نابینا باشد و راه صواب نبیند پس او در آخرت نیز نابینا و گمراه تر خواهد بود اگر بگویند که مقصود خداوند از کلام مزبور این است که هر کس در این دنیا خداشناس نبوده اعتراف به وحدانیت خداوند لاشریک نداشته باشد نابینا و گمراه است. در این خصوص بر من لازم نیست از مراتب خداشناسی و اعتراف اهل اروپا به وحدانیت واجب الوجود شرح بدهم. تحقیق این فقره موقوف به همت مردان بزرگ است که به روند مراوده و معاشرت با ایشان کرده و با چشم حقیقت بین حالت آنها را مشاهده نموده بفهمند. به حسب ظاهر هیچ گونه مانعی در مراوده و معاشرت ایشان با اهالی فرنگستان به نظر نمی آید و خداوند در جذب قلوب و مهربانی و معاشرت با غیر اهل اسلام نهی نفرموده،

این را ده مرتبه تکرار کرده.

۱- چه بسا آنکه در دنیا از لذتها و فراخی بهره مند بوده اما آخرتش نیکو نیست، و دیگر که در دنیا از لذایذ بهره مند نیست و رنجها می برد آخرتش به نیکویی است و دیگری که در دنیا و آخرت سعادت مند گشته لذایذ دنیا و فیروزی آخرت را بهره مند گردیده و دیگری که هر دو از کف داده نه دنیا دارد و نه آخرت.

۲- الاسراء / ۷۲

بلکه به عدالت محبت رفتار کردن با آنها امر نموده چنان که در سوره ممتحنه می فرماید: لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ^(۱) یعنی خداوند نهی نمی کند شما را از آنان که با شما جنگ و کارزار نکردند. در کار دین و ملت و شما را بیرون نکردند از وطن خودتان. نیکویی کنید با ایشان و حکم به عدل نمائید در حق ایشان به درستی که خدا دوست دارد عادلان را ایضاً در سوره حجرات می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا^(۲) یعنی ای گروه مردمان به تحقیق ما آفریدیم شما را از مرد و زن و گردانیدیم شما را شعبها و قبائل تا بشناسید یکدیگر را. این امر بدیهی است که بین ملل مختلفه تا مراوده و معاشرت نباشد معرفت به احوال و اوضاع همدیگر نمی توانند حاصل کرد و مادامی که معرفت حاصل نگشته از حرف و صنایع و امتعه همدیگر منفعت نمی توانند برداشت. جای هیچ شبهه نیست که اگر از اکابر قوم و از صاحب بصیرت اسلام چند نفر امتثالاً لقول علی بن ابیطالب علیه السلام که فرموده: تَغَرَّبُ عَنِ الْوَطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى وَ سَافِرُفَى الْأَسْفَارِ خَمْسَ فَوَائِدَ. تَفْرُجُ هَمَّ وَ اكْتِسَابَ مَعِيشَةٍ وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةُ مَا جِدِ^(۳).

۱- الممتحنه / ۸ - ۲- الحجرات / ۱۳

۳- علی (ع) فرموده: دوری کن از وطن خود در طلب چیزهایی برتر و سفر

به فرنگستان بروند و وضع مدنیت آنها را به رأی العین مشاهده نمایند بعد از مراجعت به ایران بلا تردید اسباب هزار قسم ترقی را فراهم خواهند آورد (و به سعادت آیه شریفه): وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^(۱) نائل خواهد شد یعنی به تحقیق گرامی گردانیدیم فرزندان آدم را و سوار کردیم آنها را در بر، بر چهارپایان و در بحر در کشتی‌ها، و روزی دادیم ایشان را از طعام‌های پاکیزه و لذیذ و برتری دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریدیم.

تحقیق

هر نیکی که خدای تعالی در روی زمین خلق کرده در هرجا و میان هر ملت که باشد راجع به یک مرکز و یک منبع است و هم‌چنین بد، در هرجا و میان هر ملت هرگونه بدی مشاهده بشود راجع به منبع بد است. پس ما باید هرگونه نیکی از اسباب مدنیت از نظم و عدالت و آسایش و ثروت و معموریت و حفظ صحت و رونق تجارت و قدرت دولت و

کن که در سفر ۵ فایده است: از هم و غم بیرون آمدن - کسب و معیشت (تجارت) - کسب علم - کسب معاشرت با افراد گوناگون و رفاقت با افراد بزرگ و بزرگان.

تربیت ملت از ذکور و اناث و ترقی، هر قسم صنایع و تنظیم راه‌ها و توسیع و تطهیر کوچه‌ها درستی اکیال^(۱) و اوزان و مقیاس و صحت مسکوکات سیم و زر و غیره در هر جا و میان هر طایفه مشاهده بکنیم، در اخذ و تحصیل آنها باید به نص آیه شریفه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلٍّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ**^(۲) عمل نمائیم یعنی ای آن کسانی که ایمان آورده‌اید بر شما باد که محافظت کنید نفس‌های خودتان را، زیان نرساند شما را کسی که گمراه شده چون هدایت یافته باشید. شما در لزوم آبادی و ثروت و استفاده از نعمات الهی آیات و احادیث کثیره وارد است. چنان که در لزوم تعمیرات عمومی و ساختن راه‌ها خدا می‌فرماید: **وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ بِسَاطًا تَسْلِكُوْنَ فِيْهَا سَبِيلًا** فجاءا^(۳) ایضاً در سورة (۱۴) آیه ۳۷^(۴) و ایضاً در سورة بقره آیه (۲۷)^(۵) و

۱- پیمانه‌ها ۲- المائدة / ۱۰۵

۳- الانبیاء / ۳۱: و در روی زمین کوه‌های استوار قرار دادیم تا خلق را از اضطراب حفظ کنند و نیز راه‌ها در کوه و جاده‌ها در زمین برای هدایت مردم مقرر فرمودیم.

۴- ابراهیم / ۳۷: پروردگارا من ذریه و فرزندان خود را به وادی بی‌کشت و ذرع نزد بیت‌الحرام تو برای به پا داشتن نماز مسکن دادم بار خدایا تو دل‌های مردمان را به سوی آنان مایل گردان و به انواع ثمرات آنها روزی ده باشد که شکر تو بجای آورند.

۵- بقره / ۲۷: آن کسانی که عهدشکنی می‌کنند و رشته پیوند خود را خدا می‌گسلند و در زمین و میان اهل آنها فساد می‌کنند به حقیقت زیانکاران عالم هستند.

حدیث شریف لَیْسَ خَیْرُکُمْ مَنْ تَرَکَ الدُّنْیَا لِلاٰخِرَةِ وَلَا الْاٰخِرَةَ
لِلدُّنْیَا وَلَکِنْ خَیْرُکُمْ مَنْ اخَذَ مِنْ هَذِهِ وَ هَذِهِ. یعنی، نیک [در
میان] شما آن نیست که به جهت آخرت دنیا را و به جهت دنیا
آخرت را ترک بکند و لکن خوب شما آن کسی است که هم
این را و هم آن را تحصیل بکند. ایضاً حدیث شریف: اِحْرَثْ
لِدُنْیَاکَ کَأَنَّکَ تَعِیْشُ اَبَدًا وَ اِحْرَثْ لِاٰخِرَتِکَ کَأَنَّکَ تَمُوتُ
غَدًا^(۱)

در فرنگستان بد گفتن و دشنام دادن و سب کردن آنانی را
که از دین و آئین فرنگی ها خارج هستند ناپسندیده و ممنوع
است و با دین و آئین احدی کار ندارند، کسی از کسی
نمی پرسد از چه دین و آئینی هستی و این قسم سؤال بسیار
عیب است. الحق می توان گفت که در این باب نیز عمل
کرده اند (به مضمون آیه شریفه): وَلَا تَسُبُّوا الَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ مِنْ
دُونِ اللّٰهِ فِیْسُبُّوا اللّٰهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ کَذٰلِکَ زُیِّنَا لِکُلِّ اُمَّةٍ
عَمَلَهُمْ ثُمَّ اِلٰی رَبِّهِمْ مَّرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا کَانُوْا یَعْمَلُوْنَ^(۲)
یعنی دشنام مدهید آنان را که می پرستند به جز از خدای و
قبایح ایشان را یاد مکنید. پس ایشان نیز در مقابله آن ناسزا
گویند خدای را از روی تجاوز و بی دانشی. همچنان که
بیاراسته ایم از برای هر گروهی کردار ایشان را. بعد به سوی

۱- برای دیابت آنچنان تلاش کن که گویی جاوید خواهی ماند و برای
آخرت آنچنان که گویی فردا خواهی مُرد.

۲- الانعام / ۱۰۸

آفریدگار است بازگشت ایشان پس خبر می دهد ایشان را
آنچه می کردند.

تحقیق

فرنگی ها قدر نعمات و آیات خداوند را زیاده تر از اهل
مشرق زمین می دانند و اعتنای تمام به مفاد کلام حقیقت
فرجام دارند: و مِنْ آیاتِهِ اخْتِلَافُ السِّتِّكُمْ وَالْوَانِكُمْ^(۱)
به جهت قدرشناسی نعمات خداوندی است که در فرنگستان
اکثر اهالی از ذکور و اناث اقلاً سه چهار زبان مختلف یاد
می گیرند. در مشرق زمین اگر کسی زبان خارجه تکلم کند
هزار ایراد به او وارد می آورند. در کتابخانه های پاریس و
لندن بیش از پنجاه لسان کتب دیده ام.

فی یوم جمعه بیستم شهر ذی قعدة ۱۲۸۷ در پاریس
تحریر شد.



۱- الروم / ۲۲: یکی از آیات حق همین که شما شب و روز به خواب رفته و
بیدار می شوید و از فضل خدا طلب روزی می کنید و در این امر قدرت خداوند
برای قومی که سخن حق بشنوند پدیدار است.

